قانون
عصر قانون
روزنامه اجتماعی اقتصادی
چهارشنبه
۱۴آذر۱۴۰۵ • ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • 25November 2026
۸ صفحه • پنج‌هزارتومان • سال پنجم • شماره نهصد و چهل وشش
www.asrghanoonir

پایگاه‌های آمریکا از حیز انتفاع خارج شدند

ویژه



سرلشکر علی عبداللهی

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

سرلشکر عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص)، در دیدار با رئیس سازمان بسیج مستضعفین، معاونان، رؤسای اقشار و مدیران این سازمان که به مناسبت هفته بسیج برگزار شد، اظهار کرد: هفته بسیج فرصت مغتنمی برای تبیین عملکرد یکساله سازمان بسیج مستضعفین و ارائه خدمات و اقدامات انجام‌شده به مردم و همچنین قدردانی از تلاش‌های بسیجیانی است که در عرصه‌های مختلف، خدمات مؤثر و تعیین‌کننده‌ای ارائه کرده‌اند.

وی با اشاره به اینکه بسیج به فرمان امام خمینی (ره) بنیان‌گذاری شد و امروز به درختی تنومند و شجره‌ای طیبه تبدیل شده است، افزود: وجود بسیج و بسیجیان نعمتی ارزشمند برای کشور است و باید خداوند را به‌خاطر برخورداری از این مجموعه و نیروهای فداکار و ایثارگر شکرگزار بود.

سرلشکر عبداللهی با یادآوری نقش بسیجیان در دوران دفاع مقدس هشت‌ساله تصریح کرد: بسیجیان در آن دوران با روحیه‌ای داوطلبانه، ایثارگرانه و بدون هیچ‌گونه چشمداشتی در میدان‌های نبرد حاضر شدند؛ بسیاری از آنان به شهادت رسیدند و شمار زیادی نیز جانباز شدند، اما همچنان با همان روحیه در مسیر خدمت به کشور و نظام اسلامی تلاش می‌کنند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، بسیجیان را از وفادارترین نیروها به نظام جمهوری اسلامی، امام راحل و رهبر شهید انقلاب اسلامی دانست و خاطرنشان کرد: در طول سال‌های گذشته، الگوی ارزشمندی از نیروهای داوطلب و مردمی برای خدمت‌رسانی به مردم در عرصه‌های مختلف شکل گرفته است؛ نیروهایی که در تمامی بحران‌های کشور، اعم از حوادث طبیعی، جنگ‌ها و سایر شرایط دشوار، در خط مقدم خدمت‌رسانی حضور داشته‌اند.

وی در همین رابطه با اشاره به حضور بسیجیان در حوادثی همچون زلزله و سیل گفت: در چنین شرایطی، بسیجیان از نخستین نیروهایی هستند که برای کمک به آسیب‌دیدگان در میدان حاضر می‌شوند. این روحیه ایثار و فداکاری در دوران شیوع بیماری کرونا نیز به‌خوبی نمایان شد؛ زمانی که بسیاری از افراد به دلیل خطر ابتلا به بیماری، حتی از حضور در بیمارستان‌ها و نزدیک شدن به بیماران خودداری می‌کردند، بسیجیان داوطلبانه و با انگیزه خدمت به مردم در بخش‌های مختلف بیمارستانی حضور یافتند و برای نجات جان بیماران تلاش کردند و شماری از آنان نیز در این مسیر به شهادت رسیدند.

سرلشکر عبداللهی با بیان اینکه چنین سطحی از ایثار و فداکاری در مسیر کمک به همنوع و دفاع از آرمان‌های کشور، ارزشمند و کم‌نظیر است، اظهار کرد: بسیج همواره در کنار مردم قرار دارد و در شرایط دشوار، نقش پشتیبان و امیدآفرین داشته است. در دوران دفاع مقدس نیز روحیه بالای بسیجیان یکی از عوامل مؤثر در پیروزی‌های رزمندگان در میدان‌های نبرد بود.

وی با اشاره به روند توسعه بسیج در سال‌های اخیر افزود: این مجموعه به فضل الهی از نظر ساختاری، مأموریتی، کمی و کیفی در حال پیشرفت است و امروز در تمامی عرصه‌ها حضوری مؤثر دارد؛ به‌گونه‌ای که مردم و کشور در مواجهه با بحران‌ها همواره به ظرفیت و توان بسیجیان امید دارند.

فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) با تأکید بر جایگاه بسیج در تأمین امنیت ملی گفت: امنیت، مهم‌ترین نیاز و اولویت هر کشور است و بسیج یکی از ستون‌های اصلی امنیت جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود؛ موضوعی که در طول سال‌های گذشته و در جریان ناآرامی‌ها، جنگ‌ها و حوادث مختلف به اثبات رسیده است.

وی با اشاره به نقش‌آفرینی بسیج در جنگ‌های تحمیلی اخیر اظهار کرد: این دو جنگ تحمیلی با جنگ‌های گذشته تفاوت‌های اساسی داشت، اما بسیج بار دیگر توانست مأموریت خود را به‌خوبی انجام دهد و در کنار سایر دستگاه‌های امنیتی، در کنترل شرایط شهرها و برقراری امنیت نقش مؤثری ایفا کند.

سرلشکر عبداللهی با اشاره به تأکید رهبر شهید انقلاب اسلامی و رهبر معظم انقلاب بر شکل‌گیری «ایران قوی» گفت: تحقق ایران قوی و تقویت هرچه بیشتر اقتدار ملی، با اتکا به ظرفیت بسیج و مشارکت مردم امکان‌پذیر است. بسیج می‌تواند در تقویت بنیان‌های این قدرت ملی نقش‌آفرینی کند و در کنار ملت و رهبری، زمینه‌ساز حرکت کشور به سوی قله‌های پیشرفت باشد.

وی با اشاره به حضور مستمر مردم در صحنه‌های مختلف افزود: امروز با ملتی مواجه هستیم که به تعبیر رهبر شهید انقلاب، ملتی مبعوث‌شده است؛ مردمی که با وجود همه فشارها و شرایط دشوار، حضوری مستمر و گسترده در میدان دارند و این حضور، نشان‌دهنده اراده و عزم ملی برای دفاع از کشور و آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ب اشاره به توانمندی‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران و تحولات جنگ اخیر تصریح کرد: توان موشکی کشور توانست دو دشمن قدرتمند، یعنی یک ابرقدرت جهانی و پنجمین ارتش قدرتمند دنیا را با چالش جدی مواجه کند و به عقب‌نشینی وادار سازد؛ این دستاورد، اقدامی بزرگ و قابل توجه بود.

وی با اشاره به سابقه طولانی تقابل جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی گفت: طی ۴۸ سال گذشته، کشورمان همواره با دشمنی و اقدامات خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی مواجه بوده و در این مدت، درگیری‌ها و حوادث متعددی از جمله جنگ در خلیج فارس، هدف قرار گرفتن هواپیمای مسافربری ایران و عملیات نظامی آمریکا در طبس را تجربه کرده است.

سرلشکر عبداللهی با بیان اینکه دشمنان در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تصویری از ضعف جمهوری اسلامی ایران ارائه دهند، اظهار کرد: تبلیغات جریان‌های معاند و مخالف، فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها و تلاش برای انزوای سیاسی کشور، زمینه‌ساز شکل‌گیری این تصور در میان دشمنان شد که ایران از توان و قدرت لازم برخوردار نیست. رژیم صهیونیستی نیز با اتکا به ارزیابی‌ها و اطلاعات نادرست، برآوردی اشتباه از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران داشت.



تراژدی صادق!

رشد ۱۹۴ درصدی قیمت مسکن در یک سال، مهر تأییدی بر این حقیقت است که مدیریت فرزانه صادق در وزارت مسکن و شهرسازی، چیزی جز یک «تراژدی» نیست.

میدری استیضاح می‌شود؟

میدری وزیر تعاون، امروز سومین کارت زرد را از نمایندگان مجلس شورای اسلامی گرفت

۲

ریاض درپی جایگزین موشک‌های آمریکا

یمن ذخایر دفاعی عربستان را نابود کرد

۴

محل نگهداری ۱۰ هزار خودروی خارج از ضوابط

پلمب شد

۷

پشت پرده حمایت ترامپ از مدیرعامل انویدیا

کسب سود ۱۵ میلیون دلاری

۵



میدری استیضاح می‌شود؟

رسیدگی به سوال زینب قیصری نماینده تهران از احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دستورکار نمایندگان در جلسه علنی امروز قرار داشت.

محور سوال نماینده تهران از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره علت اجرا نشدن سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی ابلاغی مقام معظم رهبری در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و همچنین دلیل بلاتکلیفی و نبود ثبات مدیریتی در شرکت سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تأمین (تاپیکو) بود که در نهایت نمایندگان به وی کارت زرد دادند.

پیش از این نیز میدری 2 کارت زرد از مجلس دوازدهم گرفته بود؛ حال باید دید که آیا میدری از سوی مجلس استیضاح می‌شود، در ادامه ماجرای کارت زرد در مجلس و استیضاح یک وزیر بعد از اخذ 3 کارت زرد از نمایندگان را می‌خوانیم:

به گزارش تسنیم، سؤال نمایندگان از وزرا یکی از ابزارهای نظارتی مجلس شورای اسلامی است که بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس سؤال نمایندگان پس از اعلام وصول از سوی هیئت رئیسه در جلسه علنی به کمیسیون مربوطه ارجاع می‌شود تا در جلسه‌ای وزیر به ارائه توضیحاتی پیرامون سؤال بپردازد و اگر نماینده سؤال‌کننده از توضیحات قانع نشد، گزارش جلسه بنا به درخواست وی و با موافقت کمیسیون مربوطه برای طرح در صحن علنی به هیئت رئیسه ارائه می‌شود.

طبق آیین‌نامه داخلی مجلس در صورتی که یک سؤال از وزیر در صحن علنی مطرح شود، پس از توضیحات وزیر، در صحن علنی رأی‌گیری می‌شود و در صورتی که توضیحات قانع‌کننده باشد سؤال مختومه اعلام می‌شود و یا نماینده با دادن مهلتی به وزیر به‌صورت مشروط قانع می‌شود و اگر نصف به‌علاوه یک نمایندگان حاضر از توضیحات وزیر قانع نشده باشند، به‌عنوان یک اخطار یا کارت زرد به وزیر محسوب می‌شود.

ماجرای کارت زرد در مجلس چیست؟

ماجرای کارت‌های زرد به وزرا به مجلس هشتم برمی‌گردد زمانی که نمایندگان تصمیم گرفتند برای تقویت بُعد نظارتی قوه مقننه سازوکاری بنا کنند تا براساس آن هرگاه احساس کردند وزیری انتظاراتشان را پاسخ نمی‌دهد، بتوانند دست به جیب شوند و کارت زرد را به او نشان دهند و اگر کار به سومین کارت زرد برسد، استیضاح او را کلید بزنند.

بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس: چنانچه در هر دوره مجلس، سه بار با رأی اکثریت نمایندگان حاضر، سؤالات نمایندگان از هر وزیر وارد تشخیص داده شود طرح استیضاح وزیر درصورت رعایت مفاد اصل هشتاد و نهم (89) قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت. حجت الاسلام علیرضا سلیمی در تذکری در جلسه علنی مجلس گفت: آقای رئیس‌جمهور لامپ دفترتان را روشن کنید تا گزارش‌ها را درست بخوانید و امضا کنید؛ نمی‌توانیم مدام شاهد تکرار عباراتی همچون «نمی‌دانیم» و «نمی‌توانیم» نباشیم.

وی با اشاره به ماده 162 آیین‌نامه داخلی مجلس و انتقاد از نحوه تنظیم دستور جلسات اظهار کرد: دوفوریت طرح برخورد با ماینرهای غیرمجاز دو ماه گذشته تصویب شده و هنوز در مجلس بررسی نشده است؛ دیروز یک مزرعه ماینر کشف شده که به اندازه 13 هزار خانه در تهران در فصل گرما مصرف برق داشته است.

عضو هیات رئیسه مجلس با اشاره به سومین کارت زرد مجلس به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، گفت: در ماده 209 تکلیف وزیری که سه کارت از مجلس می‌گیرد، مشخص شده است و باید تعیین تکلیف شود.

بنابراین گزارش، حمیدرضا حاجی بابایی نایب رئیس مجلس در پاسخ به تذکر این نماینده، گفت: ماده 209 آیین‌نامه داخلی صراحت دارد که اگر وزیری از مجلس سه کارت زرد گرفت، استیضاح وی با رعایت اصل 89 قانون اساسی براساس همان سه سؤال انجام بپذیرد. انشاالله آیین نامه اجرایی می‌شود.

اثر جنگ هرمز بر صنعت پتروشیمی جهان



در نگاه نخست، ممکن است ارتباط میان جنگ و تنش در تنگه هرمز با صنعت پتروشیمی چندان متفاوت از ارتباط آن با بازار نفت و گاز به نظر نرسد. اما واقعیت این است که پتروشیمی صرفاً یکی از مصرف‌کنندگان نفت و گاز نیست؛ این صنعت حلقه واسط میان منابع انرژی و بخش بزرگی از تولید صنعتی جهان است. نفت و گاز در این صنعت به مواد پایه و واسطه‌ای تبدیل می‌شوند که تولید پلاستیک، بسته‌بندی، پوشاک، لاستیک، رنگ، چسب، مواد شوینده، قطعات خودرو، تجهیزات پزشکی و صدها محصول دیگر به آنها وابسته است. به همین دلیل، اختلال در جریان خوراک و محصولات پتروشیمی از خلیج فارس، می‌تواند به‌سرعت از مرزهای منطقه عبور کند و هزینه تولید را در کارخانه‌هایی در چین، هند، ژاپن، کره جنوبی، اروپا و حتی آمریکا افزایش دهد. این اثر الزاماً به معنای توقف تولید در همه این کشورها نیست؛ گاهی افزایش قیمت یک ماده اولیه، گاهی کاهش ظرفیت تولید و گاهی تأخیر در تحویل کالا، نخستین نشانه‌های انتقال بحران به صنایع پایین‌دستی هستند.

اهمیت منطقه خلیج فارس در این میان فراتر از سهم آن در تولید نفت خام است. این منطقه در تولید و صادرات محصولات مهمی مانند متانول، پلی‌اتیلن، پلی‌پروپیلن، گوگرد، آمونیاک، اوره، نفتا و گاز مایع جایگاه قابل‌توجهی دارد. مزیت تولید این محصولات در منطقه نیز تا حد زیادی از دسترسی به منابع فراوان نفت و گاز و هزینه نسبتا رقابتی خوراک ناشی می‌شود.بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، خاورمیانه نزدیک به یک‌ششم تولید جهانی هیدروژن را در اختیار دارد که بخش عمده آن برای تولید مواد شیمیایی، کود و محصولات پالایشی مصرف می‌شود. این منطقه همچنین نزدیک به ۱۷ درصد تولید جهانی متانول را انجام می‌دهد و سهم آن از تجارت جهانی متانول به حدود ۴۵ درصد می‌رسد. در بازار اوره و آمونیاک نیز سهم منطقه از تجارت جهانی به‌ترتیب نزدیک به ۴۰ درصد و بیش از یک‌چهارم است.بنابراین، مسئله اصلی این است که آیا جنگ هرمز می‌تواند یک شوک منطقه‌ای در عرضه خوراک و محصولات پتروشیمی را به بحرانی فراگیر در زنجیره تولید جهان تبدیل کند؟ و اگر چنین شود، کدام کشورها و صنایع بیشترین آسیب را خواهند دید؟

پتروشیمی؛ حلقه واسط میان انرژی و تولید صنعتی جهان

برای فهم آثار جنگ هرمز، ابتدا باید جایگاه پتروشیمی را در ساختار اقتصاد جهانی شناخت. صنعت پتروشیمی از نفت و گاز، مجموعه‌ای از مواد پایه تولید می‌کند که در مراحل بعدی به هزاران محصول صنعتی و مصرفی تبدیل می‌شوند. در این زنجیره، نفتا، اتان، پروپان و بوتان از مهم‌ترین خوراک‌های اولیه هستند. این مواد در مجتمع‌های پتروشیمی به محصولاتی مانند اتیلن، پروپیلن، بنزن، تولوئن و زایلن تبدیل می‌شوند؛ موادی که خود پایه تولید پلیمرها، الیاف مصنوعی، رزین‌ها، حلال‌ها و بسیاری از ترکیبات شیمیایی دیگر هستند.

برای مثال، اتیلن در تولید پلی‌اتیلن و اتیلن‌گلیکول کاربرد دارد. پلی‌اتیلن در ساخت کیسه، فیلم بسته‌بندی، بطری، لوله و عایق‌های الکتریکی مصرف می‌شود. پروپیلن نیز ماده اولیه تولید پلی‌پروپیلن است که در بسته‌بندی، قطعات خودرو، منسوجات، لوازم خانگی و تجهیزات پزشکی کاربرد دارد.در کنار این مسیر، متانول نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. این ماده از گاز طبیعی تولید می‌شود و در ساخت فرمالدهید، رزین‌ها، چسب‌ها، رنگ‌ها و برخی مواد شیمیایی واسطه‌ای به کار می‌رود. همچنین می‌تواند از مسیرهایی مانند تبدیل متانول به الفین‌ها، در تولید اتیلن و پروپیلن نقش داشته باشد.بنابراین، اختلال در بازار پتروشیمی تنها به تولیدکنندگان مستقیم مواد شیمیایی محدود نمی‌شود. هر ماده پایه می‌تواند ده‌ها زنجیره تولید پایین‌دستی را تحت تأثیر قرار دهد. این ویژگی، صنعت پتروشیمی را به یکی از مهم‌ترین مجاری انتقال شوک انرژی به اقتصاد واقعی تبدیل می‌کند. افزایش قیمت نفت و گاز می‌تواند هزینه تولید پتروشیمی را بالا ببرد؛ اما اگر اختلال به کمبود خوراک یا توقف صادرات منجر شود، اثر آن بسیار فراتر از افزایش قیمت انرژی خواهد بود.

چرا خلیج فارس در بازار جهانی پتروشیمی اهمیت دارد؟

مزیت منطقه خلیج فارس در پتروشیمی تا حد زیادی از دسترسی به منابع فراوان گاز طبیعی، مایعات گازی و نفت خام ناشی می‌شود. این دسترسی به تولیدکنندگان منطقه امکان داده است که در برخی محصولات، به‌ویژه متانول، پلیمرها و کودهای شیمیایی، جایگاه مهمی در بازار صادراتی جهان به دست آورند. بر اساس داده‌های OECD، اقتصادهای خلیج فارس در مجموع بیش از یک‌پنجم صادرات جهانی پلی‌اتیلن و پلی‌پروپیلن را تأمین می‌کنند. سهم منطقه از صادرات جهانی متانول حدود ۳۷ درصد و از صادرات نفتا نزدیک به ۲۷ درصد است. در بازار گوگرد نیز سهم منطقه از صادرات جهانی از ۵۰ درصد فراتر می‌رود. [۲] این ارقام یک نکته مهم را آشکار می‌کند؛ خلیج فارس صرفا محل استخراج نفت و گاز نیست؛ این منطقه بخشی از ظرفیت تبدیل منابع هیدروکربنی به مواد صنعتی مورد نیاز اقتصاد جهان را در اختیار دارد.در میان کشورهای منطقه، عربستان سعودی، قطر، ایران، امارات متحده عربی و عمان از بازیگران مهم بازار محصولات پتروشیمی هستند. البته جایگاه آنها در همه محصولات یکسان نیست. عربستان در صادرات پلیمرها و برخی محصولات پایه، قطر در متانول و محصولات گازی، ایران در متانول و برخی محصولات پتروشیمی، و امارات و عمان در مجموعه‌ای از محصولات شیمیایی و پلیمری نقش دارند.شرایط جغرافیایی نیز اهمیت دارد. همه ظرفیت تولید پتروشیمی منطقه به یک اندازه به تنگه هرمز وابسته نیست. برخی تأسیسات در سواحل خلیج فارس قرار دارند و صادرات آنها به عبور از تنگه وابسته است؛ اما برخی تأسیسات، به‌ویژه در سواحل دریای عمان یا در مسیرهای صادراتی جایگزین، آسیب‌پذیری متفاوتی دارند. عربستان نیز بخشی از ظرفیت صادراتی خود را از طریق زیرساخت‌های ساحل دریای سرخ و خطوط انتقال به غرب کشور در اختیار دارد.

تراژدی صادق ...



گروه اقتصادی عضرقانون: در حالی که صدای انفجارها و هیاهوی جنگ، فضای رسانه‌ای کشور را پر کرده است، یک بمب دیگر در سکوت منفجر شده که اثرش از هر موشکی ویران‌گرتر است: قیمت مسکن تهران در یک سال، ۳ برابر شد! رسیدن قیمت هر متر مربع به میانگین ۳۱۰ میلیون تومان، تنها یک عدد نیست؛ بلکه سند رسمیِ شکست، بی‌لیاقتی و رهای کردن اقتصاد توسط دولتی است که ادعای مدیریت می‌کند.

دولتِ تردمیلی؛ تلاش زیاد، دستاورد صفر!

وضعیت اقتصادی این دولت را می‌توان به دونده‌ای تشبیه کرد که با تمام توان روی یک «تردمیل» می‌دود؛ عرق می‌ریزد، نفس‌نفس می‌زند و فریاد می‌زند که تلاش می‌کند، اما در نهایت یک سانتیمتر هم جلو نرفته است! تلاش بدون برنامه‌ریزی، دویدن بدون نقشه است و نتیجه‌ی این دویدن‌های الکی در حوزه مسکن، این است که اکنون مردم با شوکِ قیمتی ۱۹۴ درصدی روبرو شده‌اند. جنگ را می‌توان به عنوان یک متغیر آورد، اما رها کردن بازار و بی‌عرضگی در پیش‌بینی‌ها را نمی‌توان توجیه کرد.

قتلِ تدریجیِ طرح‌های ملی و میراثِ نیمه‌کارشرم‌آورترین بخش این مدیریت، نه در عدم تولید، بلکه در «تخریبِ دستاوردهای قبلی» است. وزارت مسکن فعلی به جای اینکه روی شانه‌های طرح‌های قبلی بایستد، با یک نگاه سیاسیِ تنگ‌نظرانه، هر چه را که بوی دولت قبل می‌داد، به خواباند. از مسکن مهر گرفته تا نهضت مسکن ملی؛ طرح‌هایی که شاید نقص داشتند اما برای قشرهای ضعیف جامعه تنها امید بودند، توسط این دولت نیمه‌کاره رها شدند.به جای عملیاتی کردن طرح‌های مسکن برای مردم، دولت به دنبال «کارهای سمبلیک» و نمایش‌های تبلیغاتی بود. آن‌ها ترجیح دادند پروژه‌ها را بخوابانند تا فقط بگویند «ما روش خودمان را داریم»، اما روش آن‌ها، روشی بود که قیمت‌ها را به اوج رساند و رویای خانه‌دار شدن را برای نسل جوان به یک شوخی تلخ تبدیل کرد.

ضعیف‌ترین وزارتخانه در ضعیف‌ترین دولت

وقتی نگاهی به ترکیب کابینه و عملکرد وزیر مسکن و شهرسازی می‌اندازیم، متوجه می‌شویم که با یکی از ضعیف‌ترین مدیریت‌های تاریخ مسکن روبرو هستیم. وزیری که بیش از آنکه در میدان عملیاتی باشد، در حواشی غرق شده و در برابر تورم افسارگسیخته، حتی یک راهکار ساده و کاربردی ارائه نداده است.این دولت، که در اکثر حوزه‌ها ضعفش به چشم می‌خورد، در وزارت مسکن به اوج بی‌لیاقتی رسیده است. آن‌ها فکر کردند جنگ، پوششی برای پوشاندن ناتوانی‌هایشان است، اما نمودار قیمت‌ها فریاد می‌زند که مسکن رها شده است. دولت فعلی ثابت کرد که نه تنها توان مدیریت بحران را ندارد، بلکه حتی در شرایط عادی هم بلد نبود چگونه از سرمایه و طرح‌های ملی برای تامین سرپناه مردم استفاده کند.



ایران در جنگ پیروز شد

سردار حسین نجات جانشین فرمانده کل سپاه در قرارگاه ثارالله(ع)، در نشست دانشگاه مبعوث، هر استاد یک بسیجی که با حضور اساتید بسیجی در دانشگاه تهران برگزار شد با اشاره به اینکه بسیجی بودن منحصر به عضویت رسمی در سازمان بسیج نیست، اظهار داشت: ممکن است برخی از افراد نام خود را در بسیج ثبت نکرده باشند، اما براساس فرمایشات رهبر شهیدمان، بسیجی کسی نیست که لزوماً در سازمان بسیج ثبت‌نام کرده باشد.وی با بیان اینکه بسیج دانشجویی زنده، پویا، پیش‌رونده و پای کار انقلاب است، تصریح کرد: آنچه امروز برای ما و شما قابل تأمل و بحث است، این است که آیا بسیج اساتید همپای موج توفنده انقلاب پیش می‌رود به این معنی که اینکه مشغول فعالیت هستیم، خوب است، اما باید ببینیم آیا سرعت حرکت ما با سرعت حرکت انقلاب متناسب است یا در یک راستا نیست.وی با اشاره به بیانات رهبر شهید انقلاب در اوایل دهه هشتاد ادامه داد: رهبر شهید حرکت انقلاب را به قطاری تشبیه کردند که با سرعت در حال حرکت است، اما سرنشینان آن به دلیل قرار گرفتن در داخل قطار، متوجه سرعت حرکت آن نمی‌شوند. درحالی‌که کسانی که از بیرون به این قطار نگاه می‌کنند، سرعت حرکت آن را به‌خوبی درک می‌کنند.سردار نجات با بیان اینکه در همین جنگ اخیر، اتفاقاتی که جمهوری اسلامی ایران در جهان رقم زد، دنیا را حیرت‌زده کرد، افزود: آقای پوتین در ملاقات با آقای رضایی عنوان کرد که شما معادلات نظامی جهان را برهم زدید و قطعاً پیروز این جنگ هستید. حتی در آمریکا نیز چنین سخنانی مطرح شد و آقای اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، ترامپ را بازنده این جنگ دانست یا مطالبی درباره تبدیل شدن ایران به چهارمین قدرت جهان در پی این جنگ مطرح شده است.وی با طرح این سوال که آیا بسیج اساتید در دانشگاه‌ها نیز با همین سرعت پیش می‌رود گفت: اگر چنین نیست، باید خودمان را با این شرایط تطبیق دهیم.سردار نجات مهم‌ترین وظیفه امروز اساتید و بسیجیان را را تبیین شرایط موجود و واقعیت‌های جنگ دانست و گفت: اتفاقاتی که در این جنگ رخ داد، چهره واقعی آمریکا را آشکار کرد. بعثتی که در میان مردم به وجود آمد و رهبر معظم انقلاب نیز به آن اشاره کرده بودند. نیز از موضوعاتی است که بسیاری از جوانان و حتی اساتید ما از ابعاد این اتفاقات مطلع نیستند. وظیفه اصلی ما تبیین این مسائل است.وی با اشاره به حوادث یکسال گذشته این حوادث را طی دوران بعد انقلاب بی‌نظیر دانست و گفت: این حوادث یک نقطه عطف و شاید همان پیچ تاریخی باشد که مقام معظم رهبری بارها از آن نام بردند. اگر مقاومت و استقامت کنیم، وحدت خود را حفظ کنیم، دچار تفرقه نشویم و جوانانمان را نسبت به شرایط آگاه کنیم، مشمول وعده الهی خواهیم شد اما اگر خدای‌ناکرده دچار سستی و عافیت‌طلبی شویم و مجاهدانه عمل نکنیم، ممکن است برای همیشه پشیمان شویم.وی با اشاره به عیان شدن چهره آمریکا و کشورهای غربی در تحولات اخیر گفت: اگر می‌خواستیم میلیون‌ها دلار هزینه کنیم تا چهره واقعی و جنایتکار آمریکا و غرب را به مردم، جناح‌های سیاسی، نسل جوان کشور و آزادی‌خواهان جهان نشان دهیم نمی‌توانستیم چنین کاری انجام دهیم.جانشین فرمانده کل سپاه در قرارگاه ثارالله(ع) گفت: آنها با اقدامات خود در 17 ماه گذشته چهره ضدبشری، جنایتکار، تجاوزکار، کودک‌کش، مخالف صلح و جنگ‌طلب خود را به مردم جهان نشان دادند چیزی که قابل کتمان نیست.

به گفته سردار نجات پیش از جنگ 12 روزه، پیش از فتنه سال 1404 و پیش از جنگ رمضان ما در حال مذاکره غیرمستقیم با آمریکایی‌ها بودیم اما آنها با فریبکاری زیر میز مذاکره زدند و جنگ و کودتا را آغاز کردند.وی گفت: این اقدامات نشان داد که آنها به هیچ عهد، پیمان و قراردادی پایبند نیستند. در جنگ 12 روزه، رژیم اشغالگر قدس جنگ را آغاز کرد و آمریکایی‌ها نیز از همان ابتدا از این رژیم حمایت کردند و بعد وارد جنگ شدند و به‌صورت یک‌جانبه اعلام پایان جنگ کردند.سردار نجات در ادامه با اشاره به روند حوادث کشور از دی ماه و اغتشاشات دی‌ماه 1404 گفت: از 14 دی‌ماه، هم ترامپ و هم سران کشورهای غربی از جمله آلمان، فرانسه و انگلیس رسماً از اغتشاشگران حمایت کردند و اعلام کردند که اگر نیروهای انتظامی با آنها برخورد کنند، مداخله نظامی خواهند کرد اما وقتی که متوجه شدند رضا پهلوی از زمینه اجتماعی برخوردار نیست، عقب‌نشینی کردند.وی در همین خصوص گفت: ترامپ در سحرگاه 22 دی‌ماه در پیامی پیام اعلام کرد براساس گزارش‌هایی که به دستش رسیده، در خیابان‌های ایران خبری نیست و فردی که تصور می‌کردند دارای زمینه اجتماعی است، از چنین زمینه‌ای برخوردار نیست، بنابراین از مداخله نظامی منصرف شد.جانشین فرمانده کل سپاه در قرارگاه ثارالله(ع) ادامه داد: براساس گزارش‌هایی که جمع‌آوری شده بود، قرار بود آمریکایی‌ها در روز 22 دی‌ماه مداخله نظامی کنند، اما از این اقدام منصرف شدند. برنامه‌ریزی آنها این بود که ابتدا حوادثی در داخل کشور رخ دهد و سپس مداخله نظامی کنند، اما مردم این برنامه را خنثی کردند.سردار نجات با تشریح برنامه دشمن در جنگ رمضان گفت: برنامه‌ریزی دشمن این بود که با به شهادت رساندن رهبر انقلاب و فرماندهان اصلی جنگ، حضور جریان‌های ضدانقلاب در خیابان‌ها، ورود عناصر ضدانقلاب از شرق و غرب کشور و ایجاد یک شورش سراسری، نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کند.

وی به دلایل ناکامی دشمن در این زمینه نیز اشاره کرد گفت: چند عامل مهم موجب شد این برنامه در جنگ رمضان ناکام بماند که نخستین و مهم‌ترین عامل، عملکرد نیروهای مسلح پس از شهادت رهبر انقلاب و فرماندهان ارشد بود.در شرایطی که رهبر انقلاب و تعدادی از عالی‌ترین فرماندهان نیروهای مسلح به شهادت رسیده بودند، نیروهای مسلح تنها دو ساعت بعد و براساس برنامه‌ای که از قبل تعیین شده بود، مراکز مهم دشمن را مورد هدف قرار دادند. جانشین فرمانده کل سپاه در قرارگاه ثارالله(ع) با اشاره به نقش مردم در ناکامی برنامه های دشمن، تاکید کرد: همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند، در آن 10 روز مردم رهبر این کشور بودند. در فاصله نهم تا هجدهم اسفندماه که کشور فاقد رهبر بود، مردم نقش رهبری را ایفا کردند.

از کاشف‌الغطا تا وحید خراسانی



آیت‌الله وحید خراسانی از بزرگ‌ترین فقها و مراجع تقلید بودند که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان تربیت مجتهدان و فقهای برجسته است. بسیاری از ائمه جمعه، اساتید حوزه و حتی کسانی که امروز در مظان مرجعیت قرار دارند، از شاگردان ایشان محسوب می‌شوند. حضور ایشان در سه حوزه بزرگ مشهد، قم و نجف پررنگ بود و در هر سه شهر کرسی تدریس داشتند؛ به‌ویژه در مباحث اصولی شهرت ویژه‌ای داشتند و شاگردان مبرزی تربیت کردند.

دکتر ابوطالبی افزود: رویکرد فقهای شیعه همواره توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی بوده است، زیرا اسلام دینی جامع است و محدود به عرصه‌های عبادی فردی نیست. منتها به تناسب شرایط و تشخیص علما، کنش‌های متفاوتی داشته‌اند. نباید انتظار داشت همه مراجع دقیقاً مانند امام خمینی(ره) عمل کنند؛ اختلاف در تشخیص شرایط طبیعی است. اما اصل توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی و به‌ویژه نفی سلطه کفار و بیگانگان، یکی از اصول اساسی سیره سیاسی‌اجتماعی علمای شیعه بوده استوی تأکید کرد :تصویرسازی‌هایی که آیت‌الله وحید را پیش از انقلاب بی‌تفاوت به حکومت پهلوی نشان می‌دهد، نادرست است. ایشان مواضع ضدپهلوی فراوانی داشتند. پس از انتشار مقاله توهین‌آمیز دی‌ماه 1356 علیه امام خمینی(ره)، اصلی‌ترین سخنرانی در منزل ایشان در قم برگزار شد. در نوزدهم دی، طلاب به منزل علما از جمله منزل آیت‌الله وحید رفتند و ایشان آیه معروف یُریدونَ لِیُطفِئوا نورَ اللهِ بِأفواهِهِم وَاللهُ مُتِمُّ نورِه را قرائت و شرح دادند و با صراحت اعلام کردند که دشمنان می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند، اما خداوند نور خود را کامل می‌کند.پس از پیروزی انقلاب نیز حضور ایشان در جبهه‌های جنگ تحمیلی ثبت شده است. دکتر ابوطالبی گفت آیت‌الله وحید با این تعبیر به رزمندگان می‌گفتند: من با توجه به فرمانی که مرجع بزرگ شیعه، امام خمینی داده‌اند که باید در مقابل دشمن بایستید، آمده‌ام. حضور شما حضور در جهاد فی‌سبیل‌الله است. ایشان همواره بر حفظ نظام جمهوری اسلامی تأکید داشتند و در دیدار با برخی فقهای خبرگان رهبری، تعبیری نزدیک به سخن امام خمینی مبنی بر «اوجب واجبات بودن حفظ نظام» بیان کردند. سپس به تبارشناسی مقاومت شیعه در برابر استعمار پرداخت و گفت: در دویست‌وپنجاه سال اخیر، ایران با چهار نوع هجمه استعماری روبه‌رو بوده است: هجمه نظامی (حملات روسیه از شمال و انگلیس از جنوب)، هجمه اقتصادی (قراردادهایی مانند رویتر، رژی و وثوق‌الدوله)، هجمه فرهنگی‌تمدنی (عمدتاً در دوره پهلوی) و هجمه سیاسی (تلاش برای تحمیل مدل سیاسی غربی)، در تمام این هجمه‌ها بدون استثنا، یک مرجع تقلید یا فقیه پیشگام بوده و با عنوان «نائب امام زما»(عج) از ایشان یاد شده است.

وی نمونه‌هایی تاریخی برشمرد: در جنگ‌های ایران و روس، مرحوم کاشف‌الغطا، میرزای قمی و صاحب ریاض حکم جهاد دادند و سید محمد مجاهد حتی لباس رزم پوشید و به میدان آمد. در قرارداد رویتر، ملاعلی کنی به‌عنوان مجتهد تهران، هنوز ناصرالدین‌شاه از انگلیس برنگشته بود که نامه اعتراض خود را نوشت و در بندر انزلی به دست شاه رساند. در جریان مشروطه و سپس علیه رضاشاه، آقا نجفی اصفهانی و آقا نورالله اصفهانی پیشگام بودند.حتی آخوند خراسانی در اواخر عمر خود برای مقابله با نفوذ روس‌ها در شمال ایران لشکرکشی کرد.

دکتر ابوطالبی با اشاره به ادعای برخی مبنی بر اینکه «اسلام سیاسی ساخته شریعتی است»، گفت این ادعا با واقعیت تاریخی در تضاد است. فقهای متعددی پیش از امام خمینی چنین نگاهی داشته‌اند. شیخ جعفر کاشف‌الغطا صراحتاً می‌گوید سیاست، جهاد و دفع اهل کفر و عناد از شئونات انبیا و ائمه و قائم‌مقام آنان یعنی فقهاست و حتی فراهم‌آوردن لشکر و سپاه نیز بر عهده فقیه است. میرزای قمی، سید مجاهد، ملااحمد نراقی و دیگران نیز همین نگاه را داشته‌اند.

وی افزود : متأسفانه جریان روشنفکری در ایران بیمار متولد شد. اولین نسل‌های روشنفکری شیفته غرب و جاده‌صاف‌کن استعمار بودند. هیچ قرارداد استعماری امضای یک عالم دینی را ندارد، اما تقریباً همه آن‌ها امضای یک تحصیل‌کرده فرنگ را دارند. تا پیش از نهضت نفت، جریان روشنفکری موضع روشنی در دفاع از ایران در برابر حمله خارجی نداشت؛ در حالی که علما همواره پیشگام بودند.سپس به وضعیت امروز شیعیان در منطقه پرداخت و گفت: فشار بر علما و فعالان مذهبی تنها محدود به بحرین نیست؛ در کویت نیز حکم‌های سنگینی از جمله حکم اعدام برای برخی علما صادر شده است.در پیام تصویری حجت‌الاسلام سید مرتضی از جریان الوفای بحرین که در برنامه پخش شد، اعلام شد که حکومت آل‌خلیفه 69 نفر از علمای فعال را دستگیر کرده و برای 64 نفر حکم حبس ابد 25 سال صادر کرده است. متهم اول این پرونده آیت‌الله شیخ عیسی قاسم است که در قم سکونت دارد و حکم غیابی حبس ابد برای ایشان صادر شده است. اتهام اصلی این علما اعتراض به مشارکت بحرین در حمله به جمهوری اسلامی و واگذاری پایگاه به آمریکا بوده است.

دکتر ابوطالبی تأکید کرد: این علما دنبال براندازی نبوده‌اند؛ درخواست آن‌ها برگزاری انتخابات سالم و اعتراض به پایگاه‌دادن به کفار علیه یک کشور مسلمان بوده است. این اعتراض مبتنی بر اصل قرآنی نفی سبیل است و اختصاص به شیعه ندارد. ملت‌ها در کشورهای منطقه عموماً با ایران همراهی کرده‌اند، اما ملت‌ها نیاز به رهبری دارند و در فضای شیعی، رهبری با علماست. به همین دلیل دشمن علما را هدف قرار داده تا حرکت مردمی شکل نگیرد.

در بخش پایانی برنامه، بحث خونخواهی امام شهید مطرح شد. دکتر ابوطالبی گفت: هرچقدر خونخواهی رهبر شهید را به‌عنوان یک مرجع شیعی و ولی‌امر مسلمین محکم‌تر و جدی‌تر مطالبه کنیم، جلوی اقدامات مشابه علیه علما در کشورهای منطقه گرفته می‌شود. ضعیف عمل‌کردن در این زمینه جرئت حکومت‌های دیگر را نسبت به علمایشان بیشتر می‌کند. این خونخواهی نباید به امری فرمایشی و فراموش‌شده تبدیل شود؛ چراکه بازدارندگی ایجاد می‌کند.

وی در جمع‌بندی تأکید کرد: اسلام اساساً امری سیاسی است. امام خمینی(ره)فرمودند «الاسلام هو الحکومه». نود درصد احکام اسلام اجتماعی هستند و بسیاری از آن‌ها جز با حکومت امکان‌پذیر نیست. ائمه معصومین(ع)نیز به‌دلیل مقابله با ظلم و حاکمان غاصب شهید یا مسموم شدند، نه به‌خاطر اختلافات شخصی. فقهای شیعه از قدیم وارد فضای سیاست شده‌اند و در دو سه قرن اخیر که با پدیده استعمار مواجه بوده‌ایم، هم علمای شیعه و هم علمای اهل سنت موضع گرفته و قیام‌ها و احکام متعددی صادر کرده‌اند.

دکتر ابوطالبی در پایان گفت: یکی از بهترین راه‌های پاسخ به ابهاماتی که درباره سیاسی‌بودن یا نبودن اسلام مطرح می‌شود، رجوع به تاریخ است؛ تاریخ رفتار ائمه و تاریخ علما و فقها در مواجهه با حکام و استعمار. واقعیت‌های تاریخی به‌روشنی نشان می‌دهد نیروی اصلی مقاومت در برابر سلطه بیگانگان در جهان اسلام، نیروی مذهب بوده است.

برای خوب جنگیدن هم به فارابی نیاز داریم!



حجت‌الاسلام نجف لکزایی پژوهشگر علوم دینی و سیاسی، استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم در نشست علمی فلسفه سیاسی فارابی که به مناسبت روز بزرگداشت ابونصر فارابی و روز حکمت و فلسفه در پژوهشکده فلسفه و کلام برگزار شد، به تبیین جنگ و امنیت در فلسفه سیاسی فارابی از مدینه فاضله تا ایران امروز پرداخت.

نجف لکزایی در این نشست، فارابی را مهم‌ترین فیلسوف سیاسی جهان اسلام دانست و بر ضرورت انتشار آثار و بازخوانی اندیشه‌های او تأکید کرد و اظهار داشت: فارابی و اندیشه‌های او ظرفیت ارزشمندی برای بحث و بررسی دارند و باید زمینه بهره‌مندی از افکار این فیلسوف بزرگ فراهم شود.وی با اشاره به بحران‌های جهان معاصر افزود: دنیای کنونی با بحران‌های متعددی مواجه است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به بحران عقلانیت، عدالت، معنویت و اخلاق اشاره کرد به طوری که بحران‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در بسیاری از موارد به همین مسائل بنیادین بازمی‌گردند. از اینرو، فلسفه فارابی ظرفیت پاسخ‌گویی به این بحران‌ها را دارد، اما متأسفانه آثار این فیلسوف به اندازه کافی در دسترس نیست و اندیشه‌های ایشان کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.حجت‌الاسلام لکزایی با انتقاد از وضعیت آموزش فلسفه اسلامی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه خاطرنشان کرد: فلسفه فارابی عمدتاً در مراکز علمی کشور مورد توجه جدی قرار نمی‌گیرد و همین مسئله موجب شده است امتداد سیاسی و اجتماعی فلسفه اسلامی ضعیف باشد. از سوی دیگر، دانش‌آموختگان فلسفه اسلامی نیز به دلیل کم‌توجهی به مباحث فلسفه سیاسی در پاسخ‌گویی به مسائل روز با محدودیت‌هایی مواجه هستند.

وی با اشاره به موضوع جنگ و امنیت در اندیشه سیاسی فارابی بیان کرد: تقریباً اتفاق‌نظر وجود دارد که فارابی از معدود فیلسوفان مسلمان، و شاید تنها فیلسوفی است که به‌صورت مستقل به موضوع جنگ پرداخته است، در حالی که مباحث جنگ در سنت اسلامی عمدتاً در حوزه فقه و ذیل موضوعاتی همچون جهاد، محاربه و دفاع بررسی شده، در فلسفه اسلامی کمتر شاهد پرداخت مستقل به این مسئله هستیم. از همین منظر میتوان به آثار معاصر در زمینه جنگ و صلح اشاره کرد، علامه مصباح یزدی اثر مفصلی درباره جنگ و صلح در اسلام با رویکرد قرآنی دارند و علامه جوادی آملی نیز در کتاب اسلام و روابط بین‌الملل به بخش‌هایی از این موضوع پرداخته‌اند، اما همچنان جای پژوهش مستقل فلسفی درباره جنگ خالی است.استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم با طرح این پرسش که آیا اساساً امکان وجود جامعه انسانی بدون جنگ وجود دارد، افزود: برخی متفکران جنگ را پدیده‌ای عارضی می‌دانند که می‌توان آن را از زندگی بشر حذف کرد، اما تاریخ زندگی انسان‌ها نشان می‌دهد که جنگ همواره بخشی از حیات جوامع، دولت‌ها و کشورها بوده است. در متون دینی نیز به مسئله دشمن و ضرورت شناخت آن توجه شده و از جمله در قرآن کریم، ابلیس به‌عنوان دشمن آشکار انسان معرفی شده است. از همین منظر، انسان موجودی مختار است و از یک سو عقل و از سوی دیگر غرایز مختلف در وجود او حضور دارند، و تعارض میان عقل و غرایز در درون انسان می‌تواند در عرصه بیرونی و روابط اجتماعی نیز خود را نشان دهد، و حتی دولت‌هایی که رویکرد صلح‌طلبانه دارند، برای تأمین امنیت داخلی و خارجی خود به نیروهای نظامی و انتظامی نیازمندند، چراکه یکی از کارویژه‌های اساسی دولت، ایجاد امنیت است.

حجت‌الاسلام لکزایی با تفکیک مفهوم جنگ از امنیت خاطرنشان کرد: امنیت در نگاه محدود، به امنیت نظامی منحصر می‌شود، اما امروزه این مفهوم ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است و موضوعاتی همچون محیط زیست، اقتصاد و مسائل اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد. بنابراین، هرچند جنگ و امنیت در برخی ابعاد با یکدیگر ارتباط دارند، اما امنیت مفهومی گسترده‌تر است و در این نشست تمرکز بحث بر موضوع جنگ قرار دارد.

وی در ادامه با اشاره به دیدگاه‌های مکاتب مختلف درباره جنگ افزود: رئالیست‌ها جنگ را وضعیتی طبیعی تلقی می‌کنند، در حالی که لیبرال‌ها بیشتر بر صلح، همکاری و عقلانیت تأکید دارند. همچنین نظریه جنگ عادلانه و رویکردهای انتقادی، از جمله دیدگاه‌های فمینیستی هرکدام از زاویه‌ای متفاوت به مسئله جنگ پرداخته‌اند. همچنین در سنت فکری چین دو متفکر برجسته یعنی منسیوس و سان‌تزو درباره جنگ دیدگاه‌هایی مطرح کرده‌اند. سان‌تزو ضمن پذیرش اهمیت و واقعیت جنگ بر این نکته تأکید دارد که باید تا حد امکان برای پیروزی بدون ورود به جنگ تلاش کرد.این پژوهشگر علوم دینی با اشاره به مبانی فلسفی جنگ در اندیشه فیلسوفان مسلمان اظهار داشت: در اندیشه فیلسوفانی همچون ابن‌سینا و خواجه نصیرالدین طوسی می‌توان مبانی جنگ را در نسبت میان عقل و غرایز جست‌وجو کرد، به طوری که اگر عقل بر غرایز حاکم باشد، زمینه حرکت در مسیر عدالت فراهم می‌شود، اما هنگامی که غرایز بر عقل غلبه کنند، جنگ‌های ظالمانه و جائرانه شکل می‌گیرند. البته ابن‌خلدون نیز در مباحث خود به مسئله عصبیت و ارتباط آن با جنگ توجه کرده است.حجت‌الاسلام لکزایی با معرفی کتاب فصول منتزعه فارابی به‌عنوان یکی از منابع اصلی بحث خود بیان کرد: فارابی در فصل شصت‌وهفتم این کتاب که در مجموع 100 فصل دارد، به‌صورت مستقل به موضوع جنگ پرداخته و 11 نوع جنگ را مطرح کرده است که از این میان، هفت نوع در زمره جنگ‌های مشروع و چهار نوع در دسته جنگ‌های ظالمانه قرار می‌گیرند.این استاد دانشگاه با تشریح انواع جنگ‌های مشروع در اندیشه فارابی افزود: نخستین نوع، جنگ دفاعی برای دفع دشمنی است که از خارج به سرزمین و نظام سیاسی حمله می‌کند. دومین نوع، جنگ برای دستیابی به خیر و حقی است که جامعه به آن نیاز دارد، اما دولت یا قدرت دیگری مانع بهره‌مندی آن جامعه از آن شده است. سومین نوع، جنگ با گروههایی است که حقیقت و فضیلت را نمی‌شناسند و در برابر دعوت به خیر نیز تسلیم نمی‌شوند، گروههایی که با ترویج ارزش‌های جاهلی به خود و دیگران آسیب می‌رسانند و اگر راه دیگری برای مقابله با آنها وجود نداشته باشد، دولت فاضله می‌تواند از جنگ استفاده کند.وی چهارمین نوع جنگ مشروع را مقابله با افرادی دانست که از مسئولیت‌ها و تعهداتی که پذیرفته‌اند سرباز می‌زنند و با وجود تلاش برای وادار کردن آنها به اجرای تعهداتشان از راههای دیگر، این روش‌ها نتیجه‌بخش نیست. پنجمین نوع نیز جنگ برای جلوگیری از تضییع حقوق مشترک است، به این معنا که اگر حقی میان دو جامعه مشترک باشد، هیچ یک نباید به‌صورت یک‌طرفه آن را تصاحب کند و بهره‌برداری از آن باید بر مبنای عدل و انصاف صورت گیرد.

استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم با اشاره به ششمین نوع جنگ مشروع در اندیشه فارابی اظهار داشت: این نوع جنگ برای مجازات متجاوزان و جلوگیری از تکرار جنایت صورت می‌گیرد، به ویژه در شرایطی که مجرمان پس از ارتکاب جنایت به سرزمین دیگری پناه ببرند و همچنان به اقدامات مجرمانه خود ادامه دهند. هفتمین نوع نیز جنگ برای ریشه‌کن کردن گروههایی است که بقای آنها موجب زیان جدی برای جامعه می‌شود و با فساد و زیر پا گذاشتن عدالت، نظم اجتماعی را مختل می‌کنند.این پژوهشگر علوم دینی در تشریح جنگ‌های ظالمانه در اندیشه فارابی خاطرنشان کرد: نخستین نوع جنگ ظالمانه، جنگی است که صرفاً با هدف تحمیل ریاست و وادار کردن دیگران به اطاعت انجام می‌شود، در این نوع جنگ، هدفی جز به‌کرنش واداشتن دیگران وجود ندارد. از همینرو، دومین نوع، جنگ برای غلبه و سلطه بر دیگران است، جنگی که هدف آن توسعه قدرت و تسلط بر سرزمین یا جامعه‌ای دیگر است، بدون آنکه تعرض یا حقی تضییع‌شده مبنای آن باشد. سومین نوع جنگ ظالمانه نیز از انگیزه‌های شخصی و روان‌شناختی سرچشمه می‌گیرد، مانند جنگی که با هدف فرو نشاندن خشم، انتقام‌جویی یا ارضای تمایلات شخصی صورت می‌گیرد.لکزایی چهارمین نوع جنگ ظالمانه را انتخاب جنگ در شرایطی دانست که دستیابی به هدف از راه‌های غیرنظامی و بدون خونریزی امکان‌پذیر است و بیان کرد: اگر رسیدن به هدف بدون جنگ امکان داشته باشد، اما یک طرف با وجود این امکان جنگ را انتخاب کند، چنین جنگی نیز در شمار جنگ‌های ظالمانه قرار می‌گیرد.وی با مقایسه تقسیم‌بندی فارابی با تقسیم‌بندی‌های فقهی درباره جنگ اظهار داشت: در متون فقهی، جنگ‌های مشروع معمولاً در چهار دسته جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی، دفاع از جان و مال و ناموس انسان‌های بی‌گناه و مقابله با شورشگران علیه حکومت مشروع اسلامی تقسیم‌بندی می‌شوند. این تقسیم‌بندی با آنچه فارابی در فلسفه سیاسی خود مطرح کرده تفاوت‌هایی دارد و نشان می‌دهد که موضوع جنگ از منظرهای مختلف فقهی و فلسفی قابل بررسی است.لکزایی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اینکه جنگ از جمله مسائل مرتبط با سیاست‌گذاری عمومی است، خاطرنشان کرد: جنگ از آن جهت که از جمله افعال دولت‌ها به شمار می‌رود، در حوزه سیاست‌گذاری عمومی قرار می‌گیرد و بررسی آن فقط به یک رشته علمی محدود نیست. فیلسوفان سیاسی، حقوقدانان، فقها، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان هرکدام می‌توانند یکی از ابعاد این مسئله پیچیده را بررسی کنند



نسل جدید با کتاب قهر کرده؟

در سالیان اخیر، برخی از تحلیلگران و کارشناسان فرهنگی با اتکای بر برخی آمارها، این گزاره را مطرح کرده‌اند که نسل جدید با مقوله کتاب و کتابخوانی بیگانه شده است. این سخن هر چند که در ظاهر با واقعیت‌هایِ ملموس همچون کاهش سرانه مطالعه آن هم ناظر به کتاب‌های سنگین و کلاسیک تا حدودی همخوانی دارد، اما با نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر به این مسأله متوجه می‌شویم که در اینجا، ما با یک مغالطه‌ی معرفتی مواجه هستیم. بدین معنا که بحث از «قهر» نسبت به مطالعه نیست بلکه مسأله اصلی، «تغییر پارادایم» در دریافت دانش و کسب اطلاعات است. به عبارت دیگر، باید از تغییر شیوه‌ی کتابخوانی آن هم متأثر از تغییر سبک زندگی و ذائقه‌ی این نسل سخن گفت و به تحلیل چرایی و چگونگی آن پرداخت.

در زمانه کنونی ما با نسلی مواجه هستیم که از عصر «تراکم اطلاعات در قالب متن» به عصر «سرعت در قالب تصویر و تعامل» کوچ کرده است و به دیگر سخن باید گفت که نسل جدید از کتاب‌های تک‌جلدی و طولانی فاصله گرفته، اما در حال غرق شدن در سیل عظیمی از «متون کوتاه»، «پادکست‌های تحلیلی» و «ویدئوهای مستند» است.بر این اساس می‌توان چنین مدعی شد که این نسل از اصل مطالعه دور نشده، بلکه میل به اجتناب از «ساختار خطی و ایستا»ی کتاب و شیوه‌های سنتی مطالعه به جهت تغییرات ناظر به سبک زندگی در او بیشتر شده است و شاید در همین راستا بشود گفت که آن‌ها خودخواسته از مطالعه‌ی «کلمه» به مطالعه‌ی «پیام» رسیده‌اند. به تعبیر پژوهشگران فرهنگ و ارتباطات، اساسا نحوه و شکل ارتباط نسل جدید با متن، روایت، اطلاعات و سرگرمی دچار تحولات جدی شده است، به این معنا که نوجوان و جوان امروز در طول شبانه‌روز چه‌بسا ده‌ها پیام بخواند، یا این که قصه‌ای را در قالب یک مجموعه تصویری دنبال کند، درباره موضوعی در اینترنت به جست‌وجو بپردازد و یا از طریق یک محتوای صوتی با مسئله‌ای تازه آشنا شود و لذا نمی‌توان گفت که به طور کلی از خواندن فاصله گرفته است.

از سوی دیگر در زمانه‌ی کنونی می‌بایست میان خواندن پراکنده و کوتاه در فضای دیجیتال با مطالعه پیوسته، عمیق و تأمل‌برانگیز به شیوه‌ی سنتی، تمایز و تفاوت قائل شد و بر این اساس به تحلیل وضعیت فعلی در حوزه کتابخوانی پرداخت.البته ناگفته پیداست که صرف خواندنِ یک متن کوتاه در شبکه‌های اجتماعی و بستر فضای مجازی، هرچند که گاه مفید هم باشد، اما ارزش آن به اندازه همان تجربه‌ای نیست که مطالعه‌ی یک رمان یا کتاب علمی در اختیار فرد قرار می‌دهد.

به‌زعم برخی از اهالی کتاب، مطالعه به شکل کلاسیک به مخاطب این فرصت را می‌دهد که فراتر از کلمات و عبارات با یک تفکر همراه شود و به‌ویژه در عرصه داستان و رمان، شخصیت‌ها را در طول یک روایت مورد شناسایی قرار داده و بدین‌سان، میان علت و معلول ارتباط لازم را برقرار کند و بعد به مرز مرحله تحلیل برسد و در نهایت این که کتاب به عمیق‌تر شدن فهم او از زیستِ زمانه‌اش کمک کند.نکته حائز اهمیت دیگر این که به موازات کاهش فرصت مطالعه عمیق در روزگار کنونی به جهت شرایط خاص زندگی و به‌ویژه تغییر ذائقه‌های نسل جدید، رقابت کتاب با سرگرمی‌های فوری عصر مدرن، سخت تر از قبل شده که نتیجه آن، دست‌کم برای طیفی از نسل جدید، فراهم‌نشدن محیط‌های جذاب و پایدار برای کتاب‌خواندن بوده است.

در این میان، البته باید توجه داشت که پدیده‌ای همچون ظهور «کتاب‌های صوتی» و «پادکست‌های تحلیلی»، صرفاً به منزله تغییر ابزار نیست، بلکه بیش و پیش از هر چیزی، نشان‌دهنده‌ی گذار از «خواندنِ بصری» به «شنیدنِ معنایی» است. در واقع، نسل جدید با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین دیجیتالی، در حال بازتعریف مفهوم «زمان مطالعه» است؛ آن‌ها مطالعه را از یک فعالیت انفرادی، ایستا و مستلزم تمرکز طولانی‌مدت در محیطی ساکت، به فعالیتی پویا، چندرسانه‌ای و حتی همگام با فعالیت‌های روزمره تبدیل نموده‌اند که بحث تفصیلی در این خصوص از منظر چرایی و چگونگیِ قضیه، مجال فراخ دیگری می‌طلبد اما اجمالاً این‌که چنین تغییری هرچند که از منظر نگرشِ سنتی به مقوله فرهنگ، نوعی «سطحی‌نگری» به نظر می‌رسد، اما از منظر مطالعات رسانه‌ای، نوعی «تطابق با زیست‌جهان دیجیتال» تفسیر می‌شود.

نکته‌ی چالش‌برانگیز در این گذار، مسئله‌ی «عمق معرفتی» است. به این معنا و مفهوم که اگرچه پادکست‌ها و کتاب‌های صوتی می‌توانند دریچه‌های نوینی از دانش را به روی مخاطب بگشایند، اما خطر جایگزینی «اطلاعاتِ تکه‌تکه» به جای «ساختار نظام‌مندِ دانش»، در این میان خود را نشان می‌دهد.

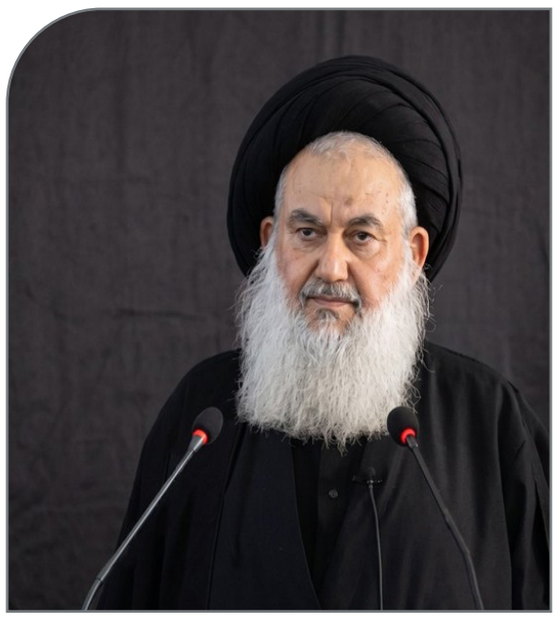

نباید در برابر آمریکا سر خم کنی

آیت‌الله سید یاسین الموسوی، امام جمعه بغداد از دولت عراق خواست سیاست بی‌طرفی مثبت را در پیش بگیرد و استقلال تصمیم‌گیری ملی را حفظ کند.وی درباره کشاندن عراق به سمت رویارویی با جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله و محور مقاومت یا هدف قرار دادن الحشدالشعبی به بهانه انحصار سلاح در دست دولت هشدار داد.الموسوی با اشاره به اینکه عراق پس از سال ۲۰۰۳ دستاوردهای مهمی داشته است، تأکید کرد که این کشور هنوز به استقلال کامل دست نیافته و همچنان با محدودیت‌های خارجی و وابستگی‌های مالی، اقتصادی و امنیتی روبرو است.وی تصریح کرد که نشست قدرت‌های بزرگ، بازتاب‌دهنده رقابت بر سر منافع و حوزه‌های نفوذ است و آمریکا، روسیه و چین هر یک بر اساس محاسبات و منافع خاص خود عمل می‌کنند؛ بنابراین نمی‌توان به هیچ‌یک از این قدرت‌ها برای ترجیح دادن منافع عراق بر منافع خودشان اتکا کرد.امام جمعه بغداد تأکید کرد که نیروهای سیاسی عراق باید دریابند که استقلال با وابستگی به اراده خارجی محقق نمی‌شود، بلکه مستلزم تقویت توانمندی‌های ملی و اتخاذ تصمیم‌ها بر اساس منافع ملت عراق است.

ایران و محور مقاومت معادلات منطقه را تغییر داده‌اند

الموسوی، جمهوری اسلامی ایران را الگویی از استقلال سیاسی دانست و خاطرنشان کرد که این کشور طی دهه‌های گذشته، با وجود فشارهای مستمر آمریکا، چه در دوره دولت‌های دموکرات و چه جمهوری‌خواه، استقلال تصمیم‌گیری خود را حفظ کرده است.
وی با اشاره به اینکه ایران با وجود حضور نداشتن در نشست بین‌المللی، همچنان کشوری مستقل در تصمیم‌گیری‌های خود است، افزود که قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه و چین نیز بر اساس محاسبات و منافع خاص خود با ایران تعامل می‌کنند.

هاآرتص: نباید دیگر جایی برای نتانیاهو در ساختار قدرت تصور کرد



روزنامه هاآرتص در گزارشی نوشت: برای نخست وزیری که از تقلب در انتخابات سخن گفته و مردم را علیه اعضای عرب کنست تحریک می‌کند، اقدام به هراس افکنی در مورد ایران کرده و بلاهایی که بر سر مردم(شهرک نشین‌ها) اسرائیل آورده را انکار می‌کند، هیچ جایی در قدرت نباید داشته باشد.در ادامه این مقاله که در شماره امروز سه شنبه روزنامه هاآرتص منتشر شد آمده است: سیاستمداران دوست دارند شعارهای جدیدی ابداع کنند و سپس به آن‌ها بچسبند و به طور مکرر آنها را تکرار کنند. نفتالی بنت طی روزهای اخیر همچنان شعار «کسانی که می‌توانند در یک تانک کنار هم باشند، می‌توانند اسرائیل را نیز با هم اداره کنند» را تکرار می‌کند. او دیروز (دوشنبه) با گروهی از نظامیان در کنست دیدار کرد و بار دیگر دیدگاه خود را برای آن‌ها تکرار کرد؛ از جمله شعار «با هم در یک تانک» و همچنین «گادی آیزنکوت ابتدا در تصورات دوره چرخشی نخست‌وزیری».
هیچ‌یک از نظامیان جرئت نکرد از او بپرسد: راستی نفتالی، آیا موافقی که بنیامین نتانیاهو، یاریو لوین، شلومو کاری، دودی امسالم، میری رگیو و یسرائیل کاتس در گردان نمر یا آکزاریت تو خدمت می‌کردند؟ آن هم پس از چهار سال تلاش برای سازمان‌دهی کودتا در گردان، تحریک یک سرباز علیه برادرش، نفرت آفرینی علیه سربازان دروزی، رقم زدن اشتباهی فاجعه‌بار که به کشته شدن صدها نفر انجامید، جلوگیری از انجام تحقیقات در مورد شکست 7 اکتبر و لکه‌دار کردن اعتبار ساختار ارتش اسرائیل؟ نویسنده این مقاله تاکید می‌کند: آیزنکوت برای تشکیل دولت وحدت با کسانی مذاکره می‌کند که شایستگی آن را ندارند؛ زیرا در پی مشروعیت بخشیدن به دولت اقلیتی است که خود نیز آن را نمی‌پسندد. اگر بنت نیز در این تلاش‌ها شریک باشد، (این ملغمه تکمیل می‌شود).بنت نتانیاهو را بهتر از هر یک از شرکای خود در بلوک تغییر می‌شناسد. از همان روزی که وارد عرصه سیاست شد، نتانیاهو، همسرش و فرستادگان آن‌ها علیه او تحریک کردند؛ او را فریب دادند، اعتبارش را خدشه‌دار کردند (و به اعتبار همسر و مادرش نیز لطمه زدند)، اقتدارش را تضعیف کردند و او را تحقیر کردند. حتی زمانی که به انتخاب خود نتانیاهو به‌عنوان وزیر جنگ اسرائیل منصوب شد، کسی که او را منصوب کرده بود، این انتصاب را به یک شوخی تبدیل کرد. هنگامی نیز که ریاست دولت تغییر را بر عهده داشت، هدف توطئه‌های خبیثانه قرار گرفت.
در بخش دیگری از این مقاله آمده است دیروز (دوشنبه) نیز، هم‌زمان با آماده شدن نمایندگان نتانیاهو برای دور دیگری از مذاکرات با تیم یشار، او بار دیگر آنچه را که در آن مهارت دارد، به نمایش گذاشت. نتانیاهو در سخنرانی خود در برابر فراکسیون لیکود، بهترین نمایش خود را ارائه کرد: تحریک آشکار علیه اعضای عرب کنست (و جالب آنکه این بار فقط بر فهرست مشترک تمرکز کرد و شریک خود در فهرست راعام را مستثنا کرد)، ارعاب درباره ایران، سیلی از دروغ‌های آشکار، بازی با افکار عمومی و مانورهای نفرت‌انگیز را بر زبان راند و به خورد مخاطبانش داد.به اعتراف نویسنده این گزارش، همان‌طور که نتانیاهو در پی محو کردن کشتار و شانه خالی کردن از مسئولیت خود است، می‌کوشد رنج‌هایی را نیز که این خانواده‌های داغدار از سوی اعضای کنست و وزیران ائتلاف او متحمل شدند، از حافظه‌ها پاک کند.پس از او، بتسلئیل اسموتریچ از فراکسیون صهیونیسم دینی سخن گفت. او با چهره‌ای جدی (معلوم نیست چگونه توانست جلوی خنده خود را بگیرد)



در پی تشدید حملات یمن در عمق عربستان و گسترش بانک اهداف در داخل این کشور که با فرسایش توان دفاعی سعودی‌ها همراه بوده، روزنامه آمریکایی «لس‌آنجلس تایمز» اخیراً گزارش داد که عربستان سعودی در پی کاهش ذخایر موشک‌های رهگیر خود بر اثر جنگ اخیر در منطقه و نیز حملات یمنی‌ها و افزایش چالش‌های پیش روی سامانه‌های پدافند هوایی سعودی، درصدد تنوع‌بخشی به منابع تسلیحاتی دفاعی و کاهش وابستگی به سامانه‌های آمریکایی است.

بحران در سیستم پدافندی سعودی‌ها

بر اساس گزارشی که این روزنامه منتشر کرد، ریاض گسترش همکاری‌های نظامی با کشورهایی مانند اوکراین و کره جنوبی را آغاز کرده و هم‌زمان در تلاش است با کمک متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی، توان تولید تسلیحات دفاعی در داخل کشور را توسعه دهد. هدف از این اقدامات، دستیابی به سامانه‌های دفاعی ارزان‌تر و سریع‌تر از نمونه‌های آمریکایی است.بر اساس این گزارش، عربستان با چالش فزاینده‌ای در زمینه هزینه بالای سامانه‌های پدافند هوایی آمریکایی، زمان طولانی مورد نیاز برای جبران ذخایر موشک‌های رهگیر و همچنین فشار بر زنجیره‌های تأمین جهانی در نتیجه افزایش تقاضا برای این تسلیحات مواجه است.لس‌آنجلس تایمز تأکید کرد که قیمت هر موشک پاتریوت از نوع «PAC-۳» حدود چهار میلیون دلار و قیمت هر موشک سامانه «تاد» حدود ۱۲ میلیون دلار است. تولید یک موشک PAC-۳ بین ۲۴ تا ۳۰ ماه زمان می‌برد و شرکت «لاکهید مارتین» نیز سالانه اندکی بیش از ۶۰۰ فروند از این موشک‌ها تولید می‌کند.این معادله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که در برخی عملیات‌های رهگیری، برای مقابله با یک هدف، دو موشک دفاعی شلیک می‌شود؛ رویکردی که با عنوان «دو موشک شلیک کن، سپس ارزیابی کن» شناخته می‌شود. چنین روشی می‌تواند میزان مصرف مهمات دفاعی را در مقایسه با تعداد حملات، تا دو برابر افزایش دهد.اگرچه میزان دقیق ذخایر موشک‌های رهگیر عربستان همچنان محرمانه است، ارزیابی‌های تحلیلگران نشان می‌دهد که این کشور تا جولای گذشته حدود ۸۶ درصد از این ذخایر را مصرف کرده بود؛ موضوعی که هم‌زمان با فروپاشی آتش‌بس با یمنی‌ها و ازسرگیری حملات آن‌ها رخ داد.

تأسیسات حیاتی عربستان در فهرست اهداف حملات یمن

گزارش لس‌آنجلس تایمز با اشاره به تداوم حملات یمن علیه عربستان تأکید می‌کند که برخی تأسیسات حیاتی این کشور نیز هدف قرار گرفته‌اند؛ از جمله خطّ لوله نفتی «شرق به غرب» که یکی از مسیرهای راهبردی انتقال صادرات انرژی عربستان از خلیج فارس به دریای سرخ محسوب می‌شود.
بر اساس این گزارش، فرودگاه بین‌المللی ریاض نیز ماه گذشته هدف یک موشک کروز قرار گرفت که در پی آن ۱۳ نفر کشته و بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شدند. این حمله همچنین موجب اختلال طولانی‌مدت در پروازها و لغو یا به تعویق افتادن شماری از رویدادهای بین‌المللی شد.

یمن: بزرگ‌ترین محموله تسلیحاتی از مواضع سعودی‌ها به غنیمت گرفته شد

همچنین در هشتم نوامبر جاری، حمله دیگری مقرّ اصلی شرکت دولتی نفت عربستان در مرکز ریاض را هدف قرار داد و به آن خسارات زیادی وارد کرد. پس از آن نیز مقر صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان هدف حمله یمن قرار گرفت.
به نوشته لس‌آنجلس تایمز، این حملات، ابعاد چالش‌های پیش روی سامانه‌های دفاعی عربستان را آشکار می‌کند؛ چالش‌هایی که با توجه به وسعت جغرافیایی این کشور و دشواری ایجاد پوشش کامل راداری برای تمامی مناطق و تأسیسات حیاتی، پیچیده‌تر شده‌اند.
قراردادهای تسلیحاتی گران‌قیمت با آمریکا هم عربستان را نجات نمی‌دهد
عربستان سعودی که از گذشته وابستگی گسترده‌ای به تسلیحات آمریکایی داشته، اکنون حتی با وجود تصویب قراردادهای بزرگ تسلیحاتی برای تقویت زرادخانه خود، در تأمین تعداد کافی موشک‌های رهگیر در زمان مناسب با مشکل مواجه است.
کنگره آمریکا ژانویه گذشته با درخواست ۹ میلیارد دلاری برای خرید ۷۳۰ فروند موشک پاتریوت PAC-۳ به منظور تحویل به عربستان موافقت کرد.
شرکت لاکهید مارتین نیز اعلام کرده است که اوایل سال جاری قراردادی به ارزش ۵۸ میلیارد دلار با عربستان امضا کرده تا ظرفیت تولید موشک‌های PAC-۳ را تا پایان سال ۲۰۳۰ به سه برابر افزایش دهد و به بیش از دو هزار فروند در سال برساند.
بر اساس قرارداد دیگری به ارزش ۳۵ میلیارد دلار نیز قرار است تولید موشک‌های تاد چهار برابر شود و به حدود ۴۰۰ فروند برسد.
با این حال، دستیابی به این سطح از ظرفیت تولید به زمان نیاز دارد و تضمینی برای تأمین نیازهای عربستان در بازه زمانی مورد نظر این کشور نیست.از سوی دیگر، عربستان برای دستیابی به این موشک‌ها با کشورهای دیگری که از سامانه پاتریوت استفاده می‌کنند، رقابت دارد. در حال حاضر ۱۹ کشور از این سامانه بهره می‌برند و شماری از آن‌ها نیز به دلیل جنگ اوکراین با کمبود مهمات رهگیر مواجه شده‌اند. علاوه بر این، ارتش آمریکا نیز در سپتامبر ۲۰۲۵ سفارش خرید حدود دو هزار موشک را ثبت کرده است.
مشکل دیگر، اختلاف چشمگیر میان هزینه موشک‌های رهگیر و تسلیحات مورد استفاده در حملات است. به عنوان مثال، ممکن است برای انهدام یک پهپاد یا موشک که هزینه تولید آن تنها چند ده هزار دلار است، از یک موشک دفاعی چند میلیون دلاری استفاده شود؛ در حالی که تولید تسلیحات تهاجمی ارزان‌تر، با سرعت بسیار بیشتری امکان‌پذیر است.
اوکراین و کره جنوبی؛ گزینه‌های جدید دفاعی ریاض
عربستان سعودی در چارچوب تلاش برای یافتن جایگزین‌های تسلیحاتی، همکاری‌های دفاعی خود با اوکراین را گسترش داده و توافقی برای خرید پهپادهای ارزان‌قیمت ویژه رهگیری پهپادهای مهاجم امضا کرده است.



عون نماینده لبنانی‌ها نیستشاهدان

در ادامه انتقادات تند شخصیت‌ها و احزاب لبنانی به لفاظی‌های خائنانه اخیر جوزف عون، رئیس جمهور لبنان علیه ایران و مقاومت در راستای خدمت به دستور کار آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی، شیخ علی الخطیب، نایب‌رئیس مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان، طی سخنانی اعلام کرد که جایگاه رئیس‌جمهور متعلق به یک فرد، حزب، طایفه یا جریان خاص نیست، بلکه متعلق به همه لبنانی‌هاست. ازاین‌رو، رئیس‌جمهور هنگام سخن گفتن باید نماینده و بیانگر مواضع همه مردم لبنان باشد.

امتیازدهی‌های مداوم دولت لبنان تنها صهیونیست‌ها را گستاخ‌تر کرد

نایب‌رئیس مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان با اشاره به شرایطی که مردم این کشور در مواجهه با تجاوزات اسرائیل، کشتار، تخریب و ویرانی تجربه می‌کنند، گفت: این شرایط ما را وادار می‌کند از مسئولانی که وظیفه دارند در راستای منافع مردمی که نمایندگی آنان را بر عهده دارند عمل کنند، بپرسیم که در چنین وضعیتی چه مسئولیتی بر دوش دارند؟ طبیعی است که حاکمیت باید نماینده جامعه‌ای باشد که بر آن حکومت می‌کند.
شیخ الخطیب سپس این پرسش را مطرح کرد که آیا اظهارات برخی مسئولان واقعاً در راستای منافع لبنان و مردم این کشور است؟ آیا این مواضع دستاوردی برای لبنان داشته یا منافع ملی را تأمین کرده است؟ آیا توانسته اسرائیل را به توقف بمباران، کشتار و تخریب وادار کنند یا برعکس، موجب تشدید این اقدامات شده‌اند؟
وی با تاکید بر اینکه مشروعیت مقاومت در لبنان تثبیت شده و نیاز به اجازه هیچ طرفی ندارد، خطاب به مقامات دولت لبنان گفت گفت: شما چیزی را که توافق چارچوب نامیده می‌شود، پذیرفتید و بدون مراجعه به هیئت دولت یا پارلمان، وارد مرحله اجرای آن شدید. اکنون می‌گویند این صرفاً یک تفاهم است و هیچ مصوبه‌ای از سوی هیئت دولت یا پارلمان درباره آن وجود ندارد. آیا چنین اقدامی از مشروعیت برخوردار است؟ اگر این یک توافق است، باید به تصویب هیئت دولت و پارلمان برسد و اگر توافق یا تفاهمی در کار نیست، پس چگونه می‌توانید آن را اجرا کنید؟ چرا وارد مرحله اجرا شدید؟

شیخ دعموش: موضع تهران مهمترین کارت قدرت لبنان است/ قدردان ایران هستیم

شیخ الخطیب در ادامه با انتقاد از روند اجرای آنچه «توافق چارچوب» با دشمن صهیونیستی خوانده می‌شود، خطاب به مقامات دولت لبنان گفت گفت: شما چیزی را که توافق چارچوب نامیده می‌شود، پذیرفتید و بدون مراجعه به هیئت دولت یا پارلمان، وارد مرحله اجرای آن شدید. اکنون می‌گویند این صرفاً یک تفاهم است و هیچ مصوبه‌ای از سوی هیئت دولت یا پارلمان درباره آن وجود ندارد. آیا چنین اقدامی از مشروعیت برخوردار است؟ اگر این یک توافق است، باید به تصویب هیئت دولت و پارلمان برسد و اگر توافق یا تفاهمی در کار نیست، پس چگونه می‌توانید آن را اجرا کنید؟ چرا وارد مرحله اجرا شدید؟

او با اشاره به لفاظی‌های عون علیه ایران و مقاومت گفت: انتظار داشتم رئیس‌جمهور درباره کسانی صحبت کند که به او وعده داده بودند، اما او تنها مقاومت، محیط اجتماعی مقاومت و ایران را هدف انتقاد قرار داد. ایران چه کرده که چنین مواضعی در برابر آن اتخاذ می‌کنید؟ ایران جنگ و محاصره را به‌جای شما تحمل کرده است. ایران چه چیزی از شما گرفته است؟شیخ الخطیب همچنین پرسید: آیا دیگر حتی گفتن عبارت «دشمن اسرائیلی» نیز ممنوع شده است؟ برخی رسانه‌ها را به راه انداخته‌اند تا بدون شرم و اخلاق، با پوشاندن لباس یهودی بر افراد، چنین فضایی ایجاد کنند. اسرائیل جز تحقیر و تمسخر شما، اشغال سرزمینتان و اهانت به شما چه کرده است؟ آیا قرار است اسرائیل دولت لبنان را بسازد و این مقاومت است که می‌خواهد آن را ویران کند؟او خطاب به رئیس‌جمهور لبنان اظهار داشت: جناب رئیس‌جمهور، متهم کردن مقاومت و شهدا به اینکه عوامل ایران هستند، چه معنایی دارد؟ آیا آنان برای آزادسازی سرزمین ایران به میدان رفتند یا پیش از ایران نیز آرمان و مسئله‌ای مستقل داشتند؟ آیا جنوب لبنان و بقاع بخشی از حاکمیت ملی لبنان نیستند؟ ریشه و انگیزه اصلی این مواضع چیست؟ امنیت و میهن کالایی نیستند که بتوان آن‌ها را خریدوفروش کرد.شیخ علی الخطیب درباره تحولات جنگ‌های اخیر خطاب به دولت و رئیس جمهور لبنان گفت: شما در جنگ اول و دوم روی این حساب باز کرده بودید که ایران از بین رفته است؛ اما چنین نشد. ایران از بین نرفته و همچنان پابرجا و استوار است. همه مردم این کشور، در برابر آمریکا یکپارچه در کنار دولت خود ایستادند؛ زیرا ترامپ آشکارا اعلام کرده بود که قصد دارد تمدن فارسی را هدف قرار دهد و نابود کند. او عامدانه از عبارت تمدن فارسی استفاده کرد تا احساسات برخی حاکمان عرب متعصب علیه ایران را تحریک کند.این شخصیت برجسته لبنانی تأکید کرد: ما از ایران با انگیزه‌های طایفه‌ای دفاع نمی‌کنیم، بلکه به این دلیل از آن حمایت می‌کنیم که در کنار ما و مردممان ایستاده است. آیا وفاداری اقتضا نمی‌کند که انسان‌های باوفا این حمایت و محبت را به رسمیت بشناسند؟ ایران از نظر جغرافیایی با ما فاصله زیادی دارد و کشورهای متعددی میان ما و آن قرار گرفته‌اند؛ اما تنها ایران بود که کنار لبنان ایستاد.

پشت پرده حمایت ترامپ از مدیرعامل انویدیا



بازارهای مالی جهان پس از چند روز ریزش سنگین، در معاملات دوشنبه شب با چرخشی ناگهانی به مسیر صعودی بازگشتند؛ اما پشت این کامبک بزرگ وال‌استریت، اتفاقی قرار داشت که می‌تواند یک منفعت مالی قابل‌توجه برای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به همراه داشته باشد.ماجرا از بازگشت جنسن هوانگ، بنیان‌گذار و مدیرعامل شرکت انویدیا، به سمت خود آغاز شد؛ تصمیمی که پس از مداخله مستقیم ترامپ و تلاش او برای متقاعد کردن هیئت‌مدیره این شرکت اتخاذ شد و در پی آن، سهام انویدیا بیش از 31 درصد جهش کرد.

تشکر ویژه رئیس رژیم صهیونیستی از رئیس فاسد انویدیا

اما نکته قابل‌تأمل اینجاست که ترامپ خود نیز از سهامداران انویدیاست و برآوردها نشان می‌دهد افزایش قیمت سهام این شرکت می‌تواند تا 15 میلیون دلار به ارزش دارایی‌های او اضافه کرده باشد. به این ترتیب، رئیس‌جمهور آمریکا که برای بازگشت مدیرعامل این شرکت تلاش کرده بود، از نتیجه این تصمیم نیز منفعت مالی قابل‌توجهی به دست آورده است.

ماجرای بازگشت مدیرعامل انویدیا چه بود؟

جنسن هوانگ 63 ساله، در 12 نوامبر و پس از انتشار گزارش‌هایی درباره روابط شخصی و مطرح‌شدن نگرانی‌های امنیتی، از سمت مدیرعاملی انویدیا کناره‌گیری کرده بود. پس از این اتفاق، سهام این شرکت با فشار فروش مواجه شد و نگرانی‌ها درباره آینده مدیریتی یکی از مهم‌ترین شرکت‌های صنعت هوش مصنوعی افزایش یافت. با وجود آنکه هیئت‌مدیره انویدیا ابتدا با بازگشت هوانگ موافق نبود، فشارهای دولت آمریکا و حمایت چهره‌های بانفوذ سیاسی و اقتصادی در نهایت مسیر تصمیم‌گیری را تغییر داد.

دونالد ترامپ شخصاً وارد این ماجرا شد و برای بازگشت هوانگ به مدیرعاملی تلاش کرد. او روز دوشنبه در گفت‌وگو با شبکه CNBC صراحتاً اعلام کرد که با اعضای هیئت‌مدیره صحبت کرده و آنها را برای بازگرداندن هوانگ متقاعد کرده است.

ترامپ درباره نقش خود در این تصمیم گفت: «من آنها را متقاعد کردم و معامله را انجام دادم.»در نهایت، هیئت‌مدیره انویدیا در 23 نوامبر با بازگشت هوانگ موافقت کرد و اعلام شد که با دریافت اطلاعات و ارزیابی‌های دولت آمریکا، بازگشت او تهدیدی برای امنیت ملی این کشور محسوب نمی‌شود.

15 میلیون دلار سود احتمالی برای ترامپ از یک تصمیم سیاسی

اما بخش مهم‌تر ماجرا به دارایی‌های شخصی رئیس‌جمهور آمریکا بازمی‌گردد. بر اساس گزارشی که فایننشال تایمز منتشر کرده، آخرین اسناد مالی ترامپ نشان می‌دهد که او تا پایان سپتامبر احتمالاً مالک حداکثر 370 هزار سهم انویدیا بوده است. با توجه به جهش 31.5 درصدی سهام این شرکت در معاملات دوشنبه، ارزش سهام متعلق به ترامپ می‌توانسته تا 15 میلیون دلار افزایش پیدا کند.البته این رقم سود نقدشده نیست، بلکه برآورد افزایش ارزش دارایی‌های احتمالی ترامپ بر مبنای تعداد سهام گزارش‌شده و جهش قیمت انویدیاست.

همچنین اسناد موجود، تعداد دقیق سهام او در روز معاملات را مشخص نمی‌کند و معاملات احتمالی اکتبر و نوامبر نیز هنوز در این محاسبه لحاظ نشده است.

با این حال، کنار هم قرار گرفتن سه اتفاق، پرسش‌های مهمی درباره تعارض منافع در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی رئیس‌جمهور آمریکا ایجاد می‌کند: نخست، مالکیت سهام یک شرکت بزرگ فناوری توسط ترامپ؛ دوم، مداخله مستقیم او برای بازگشت مدیرعامل همان شرکت؛ و سوم، افزایش ناگهانی ارزش دارایی‌هایش پس از جهش سهام شرکت.

به بیان دیگر، تصمیمی که ترامپ برای بازگرداندن هوانگ دنبال کرد، هم به احیای ارزش بازار انویدیا کمک کرد و هم می‌توانست ثروت شخصی او را افزایش دهد. هرچند شواهد موجود به‌تنهایی انگیزه شخصی ترامپ را اثبات نمی‌کند، اما هم‌زمانی مداخله سیاسی او با منفعت مالی احتمالی، موضوع تعارض منافع را به یکی از جنبه‌های مهم این ماجرا تبدیل کرده است.

کامبک وال‌استریت با موتور محرک انویدیا

بازگشت هوانگ تنها به رشد سهام انویدیا محدود نماند و موجی از تقاضا را به سایر نمادهای بزرگ فناوری نیز منتقل کرد.

در معاملات دوشنبه، سهام انویدیا حدود 31.5 درصد افزایش یافت. اپل 1.87 درصد، آلفابت 5.91 درصد، مایکروسافت 4.41 درصد و آمازون 4.81 درصد رشد کردند. سهام متا نیز 5.58 درصد و تسلا 9.54 درصد افزایش یافت.

در نتیجه این تحولات، شاخص‌های اصلی وال‌استریت نیز با رشد قابل‌توجهی همراه شدند و فضای منفی روزهای گذشته تا حد زیادی جای خود را به خوش‌بینی داد.

این تغییر فضای معاملاتی در سایر بازارهای جهانی نیز قابل مشاهده بود. نفت حدود 3 درصد کاهش قیمت داشت، در حالی که طلا با رشد 3.5 درصدی، نقره با افزایش 5.8 درصدی و مس با رشد 4.6 درصدی همراه شدند. بیت‌کوین نیز در محدوده 63 هزار دلار معامله شد.

در مجموع، بازگشت مدیرعامل انویدیا به یکی از مهم‌ترین محرک‌های تغییر جهت بازارهای جهانی تبدیل شد؛ اما در کنار اثرگذاری این تصمیم بر بازار سهام، افزایش احتمالی 15 میلیون دلاری ارزش دارایی‌های ترامپ، وجه دیگری از ماجراست که پرسش‌هایی درباره مرز میان تصمیم‌گیری سیاسی و منافع مالی شخصی در دولت آمریکا مطرح می‌کند.

تخفیف های سنگین، تنها راه عراق برای فروش نفت



عراق در هفته‌های اخیر موفق شده است حجم صادرات نفت خام خود را افزایش دهد؛ با این حال، این بازگشت به بهای ارائه تخفیف‌های قابل‌توجه به خریداران و پذیرش هزینه‌های بالاتر حمل‌ونقل و ریسک‌های امنیتی ناشی از عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز محقق شده است.بر اساس گزارش جدید مؤسسه انرژی اینتلیجنس، عراق برای حفظ جریان صادرات نفت خود و جبران هزینه‌های بالای انتقال محموله‌ها از خلیج فارس، ناچار شده است از جمله عمیق‌ترین تخفیف‌های قیمتی در میان تولیدکنندگان نفت منطقه را به خریداران ارائه کند.این تحول نشان می‌دهد که اگرچه عراق توانسته است بخشی از اختلالات صادراتی ناشی از جنگ را پشت سر بگذارد، اما شرایط جدید بازار همچنان هزینه اقتصادی قابل‌توجهی را به این کشور تحمیل می‌کند.

افزایش آمار صادرات نفت عراق با بهایی سنگین

صادرات نفت عراق در پی تشدید تنش‌های نظامی و اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز با کاهش قابل‌توجهی مواجه شده بود. وابستگی بالای صادرات نفت این کشور به پایانه‌های جنوبی و مسیر دریایی خلیج فارس، بغداد را در برابر محدودیت‌های کشتیرانی آسیب‌پذیر کرده است.

با این حال، آمارهای منتشرشده از سوی مقام‌های عراقی نشان می‌دهد که صادرات نفت این کشور در ماه اکتبر به حدود 3.5 میلیون بشکه در روز رسیده است؛ رقمی که در مقایسه با صادرات حدود 3.4 میلیون بشکه‌ای عراق در فوریه، پیش از آغاز جنگ، نشان‌دهنده بازگشت حجم صادرات به محدوده پیشین است.

این افزایش در حالی اتفاق افتاده که عراق برای حفظ مشتریان و تداوم فروش نفت خود، سیاست تخفیف‌های قیمتی را در پیش گرفته است.

تخفیف‌های سنگین برای جبران هزینه حمل‌ونقل

افزایش هزینه اجاره نفتکش‌های غول‌پیکر، هزینه‌های بیمه و ریسک‌های امنیتی عبور از تنگه هرمز، از مهم‌ترین عواملی است که رقابت‌پذیری نفت عراق را تحت تأثیر قرار داده است. عراق برای جبران این شرایط، قیمت‌های پیشنهادی خود را کاهش داده تا خریداران همچنان انگیزه کافی برای خرید و انتقال محموله‌های نفتی این کشور داشته باشند.

در همین زمینه، گزارش‌های منتشرشده درباره معاملات نفتی عراق نشان می‌دهد که شرکت بازاریابی نفت این کشور، سومو، برای محموله‌های دسامبر 2026، تخفیف‌هایی تا 33 دلار به ازای هر بشکه از نفت خام سنگین بصره در نظر گرفته است.

این شرکت پیش‌تر برای محموله‌های اکتبر، تخفیف‌هایی تا 37 دلار به ازای هر بشکه برای نفت سنگین بصره و 34.50 دلار برای نفت متوسط بصره پیشنهاد کرده بود. این ارقام نشان می‌دهد که تخفیف‌های قیمتی به یکی از ابزارهای اصلی عراق برای حفظ بازارهای صادراتی خود تبدیل شده است.

بازگشت حجم صادرات به معنای بازگشت درآمد نیست

نکته مهم در تحولات اخیر بازار نفت عراق، تفاوت میان بازگشت حجم صادرات و احیای درآمدهای نفتی است.

در شرایطی که عراق توانسته است میزان صادرات روزانه خود را به سطح پیش از جنگ نزدیک کند، ارائه تخفیف‌های سنگین به خریداران به معنای کاهش درآمد دریافتی از فروش هر بشکه نفت است.

به عبارت دیگر، حفظ جریان صادرات الزاماً به معنای حفظ درآمدهای ارزی نیست؛ زیرا افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه و کاهش قیمت فروش، بخشی از منافع اقتصادی صادرات را از بین می‌برد.

این موضوع برای اقتصاد عراق اهمیت مضاعفی دارد؛ چراکه بودجه دولت این کشور وابستگی بالایی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام دارد و هرگونه کاهش درآمد خالص نفتی می‌تواند بر توان مالی دولت برای تأمین هزینه‌های عمومی اثر بگذارد.

آسیب‌پذیری ساختاری صادرات نفت عراق

تحولات اخیر بار دیگر اهمیت تنوع‌بخشی به مسیرهای صادراتی نفت عراق را آشکار کرده است.بخش عمده صادرات نفت این کشور از پایانه‌های جنوبی و از طریق خلیج فارس انجام می‌شود. در نتیجه، هرگونه اختلال در تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز می‌تواند مستقیماً بر صادرات و درآمدهای ارزی بغداد اثر بگذارد.

از این منظر، بازگشت صادرات عراق به سطح پیش از جنگ را نمی‌توان به‌تنهایی نشانه بازگشت شرایط عادی به بازار نفت منطقه دانست؛ زیرا این کشور برای حفظ حجم صادرات خود همچنان مجبور به پذیرش هزینه‌های بیشتر و ارائه تخفیف‌های سنگین است.در واقع، تجربه عراق نشان می‌دهد که پیامدهای اختلال در تنگه هرمز صرفاً به کاهش عرضه نفت در بازار جهانی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند ساختار قیمت‌گذاری، قدرت رقابت صادرکنندگان و میزان درآمد آنها از فروش نفت را نیز تغییر دهد.



ریشه ناترازی گاز در مصرف است نه تولید

ابراهیم اسکندری مدیر انرژی و کربن شرکت گاز استان مازندران در گفتگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، در پاسخ به سوالی در خصوص چالشهای تامین گاز این استان گفت: مشکلی در حوزه گاز طبیعی، برق و به طور کلی خانواده انرژی داریم. کاملا کارشناسی شده و ریشه‌یابی شده می‌گویم که این مشکل در حوزه تولید نیست بلکه در حوزه مصرف است.

چالش انرژی؛ بحران مصرف، نه تولید

وی با اشاره به اینکه این مسئله به معنای تقصیر مصرف‌کنندگان نیست، گفت: تحلیل ما این است که تجهیزات پرمصرف، اقلیمهای آب و هوایی و ساختمانهای نامنطبق با مبحث 19 سبب می‌شود تا مشترک برای تامین رفاه خود مجبور به مصرف این میزان از برق و گاز خارج از معیار است.اسکندری ادامه داد: حرف ما این است که اگر به هر روشی بتوانیم مطابق با ماده 46 برنامه هفتم توسعه، بتوانیم مصرف را به استاندارد نزدیک کنیم، بحرانی تحت عنوان بحران انرژی در دهه آینده و شاید 5 سال آینده نخواهیم داشت. مصرف باید هوشمندانه در بازه استانداردهای تعریف شده و با حفظ رفاه و آسایش خانوار انجام شود.

نقش اقلیم و ساختمان در مصرف بی‌رویه

وی در پاسخ به سوالی در مورد راهکارهای مدیریت مصرف انرژی در استان مازندران با توجه به شرایط اقلیمی گفت: استان مازندران آب و هوایی معتدل دارد اما در یک‌پنجم جغرافیای خود مناطق کوهستانی دارد. طبیعت هوای این استان و رطوبت سبب می‌شود تا در زمستان در نسبت با دیگر استانها گاز بیشتری مصرف شود.

ضرورت تطبیق مصرف با ماده 46 برنامه هفتم

مدیر انرژی و کربن شرکت گاز استان مازندران با تاکید بر اینکه با تجمیع احتراق در یک قسمت از منزل همه شهروندان می‌توانند از نعمت گاز طبیعی استفاده کنند، گفت: به همین دلیل خواهش ما این است که کل مصارف در حوزه خانگی تجمیع شده انجام شود. لزومی ندارد ما همه اتاقها را گرم کنیم. در مواردی داشتیم که در سالیان دور حتی برخی شهروندان رادیاتورهای حمام و یا سرویسهای بهداشتی را نمی‌بستند اما با آگاه‌سازی این موارد اصلاح شده است.براین اساس مدیریت مصرف براساس ماده 46 برنامه هفتم با پویشهای اجتماعی مردمی می‌شود و با مردمی مشکلات ناترازی حل خواهد شد.اختصاص 161 میلیون مترمکعب گاز به صنایع تا پایان سال

سهم 93 درصدی بخش خانگی از مشترکان استان

اسکندری در پاسخ به سوالی در مورد نسبت مصرف‌کنندگان بخش خانگی و صنعتی در استان مازندران گفت: 93 درصد از مشترکان گاز استان مازندران در بخش خانگی قرار دارند و همین موضوع شرایط ما را شکننده می‌کند و حساسیت شبکه را بالا می‌برد.وی گفت: صنایع نیز با اطلاع قبلی و هماهنگی دیگر مراجع مانند شرکت پخش فرآورده‌های نفتی و شرکت توزیع برق سوخت جایگزین دریافت خواهند کرد. تمام سعی ما در سالهای گذشته و امسال این بوده است که ضمن حفظ تولید ناخالص استان مصرف خانگی و رفاه نیز حفظ شود.

پرمصرفی 20 درصد از مشترکان مازندران

مدیر انرژی و کربن شرکت گاز استان مازندران در خصوص تعداد اشتراک گاز استان و همچنین نسبت قرارگیری آنها در پلکان چهار پله‌ای جدید محاسبه قبوض گاز گفت: در مازندران از یک میلیون و 800 هزار مشترک، نزدیک به یک میلیون و 690 هزار مشترک در بخش خانگی قرار دارند.وی ادامه داد: تقریبا در پلکان چهارم که پرمصرف‌ترین دسته هستند، شاید کمتر از 3 تا 4 درصد مصرف‌کنندگان در این دسته قرار دارند. 18 درصد مشترکین در پلکان سوم هستند. این گروه و ما به دنبال ریشه‌یابی مصرف بالا هستیم تا اقدامات اصلاحی شناسایی و اجرایی شود. اسکندری با اشاره به اینکه در حال حاضر مصرف گاز استان مازندران حدود 24 تا 25 میلیون متر مکعب در روز است، گفت: این رقم طی سالهای گذشته در بازه پیک مصرف تا 42 میلیون متر مکعب رسیده است. امسال مطمئن هستیم که با مدیریت مردمی مصرف گاز طبیعی می‌توانیم این عدد را روی 35 تا 37 میلیون متر مکعب به صورت پایدار حفظ کنیم.

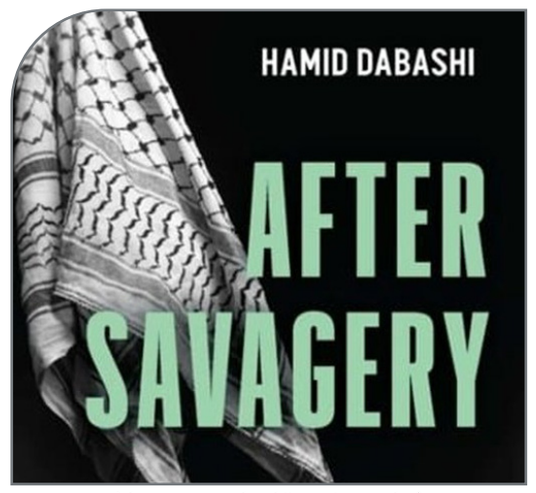

دوزخیان در غزه نقاب از چهره برداشتند

هفته گذشته پانزدهمین دوره «جوایز کتاب فلسطین» (Palestine Book Awards) از سوی پایگاه «میدل ایست مونیتور» در لندن برگزار شد و طی آن، برندگان بخش‌های مختلف معرفی و تجلیل شدند.در این مراسم، حمید دباشی به خاطر کتاب «پس از توحش: غزه، نسل‌کشی و توهم تمدن غربی» به عنوان یکی از برگزیدگان مورد تقدیر قرار گرفت.این اثر با عنوان اصلی After Savagery: Gaza, Genocide, and the Illusion of Western Civilization در سال 2025 از سوی انتشارات «هی‌مارکت» منتشر شده است. نویسنده در این کتاب تلاش می‌کند غزه را از یک بحران صرفاً منطقه‌ای خارج کرده و آن را در بستر کلان تاریخ استعمار، نژادپرستی، سرمایه‌داری جهانی و ادعاهای اخلاقی تمدن غرب به تحلیل بنشیند.دباشی بر این باور است که خشونت اسرائیل در غزه پدیده‌ای استثنایی یا صرفاً واکنشی مقطعی به رخدادهای 7 اکتبر نیست، بلکه باید آن را نتیجه تاریخی نوعی «استعمار شهرک‌نشین» دانست. از نگاه او، اسرائیل در این ساختار همچون یک دولت نظامی و استعماری عمل می‌کند که از پشتیبانی همه‌جانبه سیاسی، نظامی و اقتصادی قدرت‌های غربی بهره‌مند است.از این رو، مسئله اصلی کتاب فراتر از این پرسش ساده است که «در غزه چه اتفاقی افتاده؟»؛ بلکه نویسنده این چالش فکری را مطرح می‌کند که:

- چرا دولت‌های غربی، علی‌رغم ادعاهای پررنگ حقوق بشری، حامی بی‌چون‌وچرای اسرائیل هستند؟
- چرا افکار عمومی و دولت‌های غربی در برابر کشتار غیرنظامیان فلسطینی، واکنشی مشابه با دیگر بحران‌های جهانی از خود نشان نمی‌دهند؟
- چگونه مفاهیمی بنیادین چون «تمدن»، «دموکراسی» و «حقوق بشر» به ابزاری برای توجیه خشونت استعماری بدل شده‌اند؟

عنوان کتاب به یکی از مهم‌ترین ادعاهای دباشی اشاره دارد: «تمدن غربی» نه یک واقعیت اخلاقی یکپارچه، بلکه تا حد زیادی یک اسطوره و ابزار اعمال قدرت است. از نظر او، غرب همواره خود را مظهر عقلانیت، آزادی و حقوق بشر معرفی کرده، اما در عمل و به‌ویژه زمانی که پای قربانیان فلسطینی در میان باشد، همین اصول را به‌شکلی کاملاً گزینشی به کار می‌بندد. دباشی از این تناقض آشکار نتیجه می‌گیرد که بازنگری اساسی در ادعاهای اخلاقی و جهان‌شمول غرب امری ضروری است.

سینما و سریال‌ها غرق در نکبت و خیانت!



ایرج طهماسب را بسیاری از مخاطبان با دنیای عروسکی و خاطره‌انگیز «کلاه‌قرمزی» به یاد می‌آورند؛ هنرمندی که سال‌ها تلاش کرد با خلق شخصیت‌هایی دوست‌داشتنی، لبخند را به خانه‌ها بیاورد و اوقات خوشی برای خانواده‌ها رقم بزند. بعدها نیز با «مهمونی» بار دیگر سراغ دنیای عروسک‌ها رفت تا نشان دهد سرگرمی، خنده و قصه‌گویی همچنان می‌توانند مخاطب را پای تلویزیون و قاب تصویر نگه دارند. حالا اما همین هنرمند، در متنی کوتاه و صریح، نسبت به آنچه در فیلم‌ها و سریال‌های امروز می‌گذرد، هشدار داده است.طهماسب در صفحه شخصی خود نوشته است: «فیلم‌ها و سریال‌ها سرشار از مرگ، کشتن، خیانت، نکبت و بدبختی‌ست. انگار مردم سرگرم قصه‌های شیطانند. رویای بهشت در هیچ اثری پیدا نمی‌شود.»

این چند جمله کوتاه، فراتر از یک انتقاد معمولی از آثار نمایشی، پرسشی جدی را پیش روی سینما و شبکه نمایش خانگی قرار می‌دهد: سهم مخاطب از انبوه فیلم‌ها و سریال‌هایی که هر روز تولید و عرضه می‌شوند، تا چه اندازه باید روایت تلخی، خشونت، خیانت و فروپاشی روابط انسانی باشد؟

البته روایت تلخی‌های زندگی و پرداختن به آسیب‌های اجتماعی، به‌خودی‌خود نقطه ضعف یک اثر نیست. سینما و تلویزیون قرار نیست تصویری غیرواقعی و بزکشده از جامعه ارائه کنند یا چشم بر رنج‌ها و بحران‌های انسانی ببندند؛ اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که تلخی به فرمولی تکراری برای قصه‌گویی تبدیل شود و گویی هرچه میزان خیانت، جنایت، خشونت و سیاهی بیشتر باشد، اثر نیز جدی‌تر و جذاب‌تر تلقی می‌شود.در چنین فضایی، جای قصه‌هایی که بتوانند در کنار واقع‌گرایی، امید، رفاقت، خانواده، فداکاری، مهربانی و امکان تغییر را هم به تصویر بکشند، خالی‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. مخاطب قرار نیست پس از تماشای هر فیلم یا سریال، الزاماً با لبخند از پای تصویر بلند شود؛ اما آیا نباید در میان این همه روایت تلخ، پنجره‌ای هم به سوی زندگی و امید باز بماند؟نکته قابل تأمل در انتقاد طهماسب، سابقه هنری اوست. او سال‌ها با شخصیت‌هایی چون کلاه‌قرمزی و پسرخاله و بعدها عروسک‌های «مهمونی»، به مخاطب نشان داد که می‌توان بدون تکیه بر خشونت و سیاهی، سرگرم‌کننده بود و با زبان طنز، مسائل انسانی و اجتماعی را روایت کرد. جهان عروسکی او اگرچه همیشه خالی از نقد و مسئله نبود، اما در نهایت بر پایه خلاقیت، شوخی، رفاقت و ارتباط با مخاطب شکل می‌گرفت.

این هشدار البته در خلأ مطرح نشده است. طی سال‌های اخیر، بارها از سوی هنرمندان، منتقدان و فعالان فرهنگی نسبت به تکرار مضمون‌های تلخ و غلبه روایت‌های مبتنی بر خیانت، روابط مخدوش و خشونت در بخشی از تولیدات نمایشی انتقاد شده است. مسئله‌ای که به‌ویژه با گسترش تولیدات شبکه نمایش خانگی و رقابت برای جذب مخاطب، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

سؤال اصلی اینجاست که آیا برای جذب مخاطب، حتماً باید سراغ تیره‌ترین بخش‌های زندگی رفت؟ آیا نمی‌توان قصه‌ای پرکشش ساخت که در آن امید و زیبایی‌های زندگی نیز سهمی جدی داشته باشند؟ هشدار ایرج طهماسب را می‌توان از همین زاویه خواند؛ تلنگری به سازندگان آثار نمایشی که سرگرمی صرفاً به معنای غرق کردن مخاطب در بحران و بدبختی نیست.

مردم در زندگی روزمره خود با انواع دشواری‌ها و نگرانی‌ها روبه‌رو هستند. هنر قرار نیست واقعیت را پنهان کند، اما می‌تواند در کنار بازتاب واقعیت، افق دیگری هم پیش روی مخاطب بگذارد؛ افقی که در آن هنوز می‌توان به رفاقت، عشق، خانواده، مهربانی و فردایی بهتر امیدوار بود. شاید آنچه طهماسب از آن سخن می‌گوید، بیش از هر چیز یادآوری همین نیاز فراموش‌شده باشد: قصه‌هایی که علاوه بر نشان دادن تاریکی‌ها، راهی هم برای دیدن روشنایی باقی بگذارند.



حقیقت جنگ را روایت می‌کند

ایرج طهماسب را بسیاری از مخاطبان با دنیای عروسکی و خاطره‌انگیز «کلاه‌قرمزی» به یاد می‌آورند؛ هنرمندی که سال‌ها تلاش کرد با خلق شخصیت‌هایی دوست‌داشتنی، لبخند را به خانه‌ها بیاورد و اوقات خوشی برای خانواده‌ها رقم بزند. بعدها نیز با «مهمونی» بار دیگر سراغ دنیای عروسک‌ها رفت تا نشان دهد سرگرمی، خنده و قصه‌گویی همچنان می‌توانند مخاطب را پای تلویزیون و قاب تصویر نگه دارند. حالا اما همین هنرمند، در متنی کوتاه و صریح، نسبت به آنچه در فیلم‌ها و سریال‌های امروز می‌گذرد، هشدار داده است.

طهماسب در صفحه شخصی خود نوشته است: «فیلم‌ها و سریال‌ها سرشار از مرگ، کشتن، خیانت، نکبت و بدبختی‌ست. انگار مردم سرگرم قصه‌های شیطانند. رویای بهشت در هیچ اثری پیدا نمی‌شود.»

این چند جمله کوتاه، فراتر از یک انتقاد معمولی از آثار نمایشی، پرسشی جدی را پیش روی سینما و شبکه نمایش خانگی قرار می‌دهد: سهم مخاطب از انبوه فیلم‌ها و سریال‌هایی که هر روز تولید و عرضه می‌شوند، تا چه اندازه باید روایت تلخی، خشونت، خیانت و فروپاشی روابط انسانی باشد؟

البته روایت تلخی‌های زندگی و پرداختن به آسیب‌های اجتماعی، به‌خودی‌خود نقطه ضعف یک اثر نیست. سینما و تلویزیون قرار نیست تصویری غیرواقعی و بزکشده از جامعه ارائه کنند یا چشم بر رنج‌ها و بحران‌های انسانی ببندند؛ اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که تلخی به فرمولی تکراری برای قصه‌گویی تبدیل شود و گویی هرچه میزان خیانت، جنایت، خشونت و سیاهی بیشتر باشد، اثر نیز جدی‌تر و جذاب‌تر تلقی می‌شود.

سریال ، نمایش‌خانگی ، نمایش ،

در چنین فضایی، جای قصه‌هایی که بتوانند در کنار واقع‌گرایی، امید، رفاقت، خانواده، فداکاری، مهربانی و امکان تغییر را هم به تصویر بکشند، خالی‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. مخاطب قرار نیست پس از تماشای هر فیلم یا سریال، الزاماً با لبخند از پای تصویر بلند شود؛ اما آیا نباید در میان این همه روایت تلخ، پنجره‌ای هم به سوی زندگی و امید باز بماند؟

بیشتر بخوانید
هشدار ساترا به نمایش‌خانگی؛ عبور از مجوزها بی‌هزینه نیست

نکته قابل تأمل در انتقاد طهماسب، سابقه هنری اوست. او سال‌ها با شخصیت‌هایی چون کلاه‌قرمزی و پسرخاله و بعدها عروسک‌های «مهمونی»، به مخاطب نشان داد که می‌توان بدون تکیه بر خشونت و سیاهی، سرگرم‌کننده بود و با زبان طنز، مسائل انسانی و اجتماعی را روایت کرد. جهان عروسکی او اگرچه همیشه خالی از نقد و مسئله نبود، اما در نهایت بر پایه خلاقیت، شوخی، رفاقت و ارتباط با مخاطب شکل می‌گرفت.

این هشدار البته در خلأ مطرح نشده است. طی سال‌های اخیر، بارها از سوی هنرمندان، منتقدان و فعالان فرهنگی نسبت به تکرار مضمون‌های تلخ و غلبه روایت‌های مبتنی بر خیانت، روابط مخدوش و خشونت در بخشی از تولیدات نمایشی انتقاد شده است. مسئله‌ای که به‌ویژه با گسترش تولیدات شبکه نمایش خانگی و رقابت برای جذب مخاطب، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

سؤال اصلی اینجاست که آیا برای جذب مخاطب، حتماً باید سراغ تیره‌ترین بخش‌های زندگی رفت؟ آیا نمی‌توان قصه‌ای پرکشش ساخت که در آن امید و زیبایی‌های زندگی نیز سهمی جدی داشته باشند؟ هشدار ایرج طهماسب را می‌توان از همین زاویه خواند؛ تلنگری به سازندگان آثار نمایشی که سرگرمی صرفاً به معنای غرق کردن مخاطب در بحران و بدبختی نیست.

مردم در زندگی روزمره خود با انواع دشواری‌ها و نگرانی‌ها روبه‌رو هستند. هنر قرار نیست واقعیت را پنهان کند، اما می‌تواند در کنار بازتاب واقعیت، افق دیگری هم پیش روی مخاطب بگذارد؛ افقی که در آن هنوز می‌توان به رفاقت، عشق، خانواده، مهربانی و فردایی بهتر امیدوار بود. شاید آنچه طهماسب از آن سخن می‌گوید، بیش از هر چیز یادآوری همین نیاز فراموش‌شده باشد: قصه‌هایی که علاوه بر نشان دادن تاریکی‌ها، راهی هم برای دیدن روشنایی باقی بگذارند.

چه کسی هنوز زنده است؟

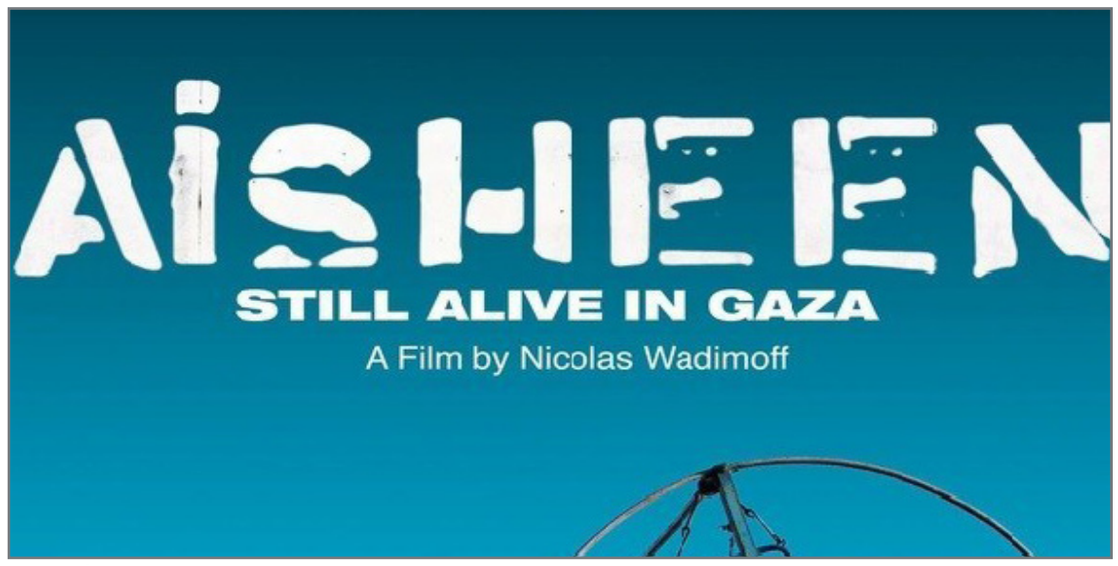

«نقشه‌ای از باریکه غزه، شهرها، اردوگاه‌ها و محله‌های آن با رنگ سفید بر کفِ زمینی سیاه، ترسیم شده است. در میان این خطوط که به‌شکل تقریبی ترسیم شده ۹نفر که از جهنم غزه به طریقی فرار کرده و به مصر و عمان پناه برده‌اند، داستان‌های خود را روایت می‌کنند. از زندگی‌شان پیش از حملات وحشیانه رژیم اشغالگر صهیونی به غزه، می‌گویند و از فقدانِ عزیزانی که از دست داده‌اند. از زندگی‌هایی می‌گویند که زیر فشارِ شدید قرار داشته، اما هنوز به خاکستر بدل نشده است.»

این شاید گویاترین شرح و تعریف برای فیلم مستندِ «چه کسی هنوز زنده است؟» باشد؛ مستندی ساخته «نیکولا وادیموف»؛ فیلمساز سوئیسی که روایتگر داستان‌های دردناک فلسطینیان ساکن در غزه است که در سال اول بمباران باریکه توسط رژیم صهیونی (۱۴۰۳)، موفق به ترک غزه و پناه بردن به مصر و عمان شدند.

تیزر مستند «چه کسی هنوز زنده است؟»

آوارگان فلسطینی در این مستند محله‌های ویران شده خود، خاطرات عزیزان از دست رفته و خانه‌های تبدیل شده به آوار و زندگی‌هایی را مرور می‌کنند که بر اثر جنگ از هم پاشیده‌اند.به گفته کارشناسان نقطه قوت مستند این است که بر خلاف بازنمایی‌های کلیشه‌ای معمول از شرایط بغرنج غزه، که توسط رسانه‌ها یا رسانه‌های اجتماعی صرفا از طریق آمار سرد قربانیان یا عکس‌های تکان‌دهنده، بدون هیچ زمینه‌ای، ارائه می‌شود، نیاز به گوش دادن به تجربیات شخصی بازماندگان را مطرح می‌کند.

حضور محمود جوده؛ نویسنده فلسطینی در مستند

این مستند، روایت‌های شخصی از اندوه، آوارگی و آسیب‌های روانی ناشی از جنگ را به تصویر می‌کشد که از جمله آنها روایت محمود جوده؛ نویسنده و روزنامه‌نگار فلسطینی ساکن شهر غزه و اصالتا اهل فلسطین اشغالی است که علاوه بر سه مجموعه داستان، انتشار ترجمه‌ها و مقالات اجتماعی‌سیاسی بسیاری در روزنامه‌ها و مجلات محلی و بین‌المللی در کارنامه نویسندگی اوست. مستند «چه کسی هنوز زنده است؟» که محصول مشترک ایزی رایدرز فیلمز (فرانسه)، فیلیستاین فیلمز (فلسطین) و آر.تی.اس (سوئیس) است، به دلیل ممنوعیت ورود شخصیت‌های اصلی توسط دولت سوئیس، در آفریقای جنوبی فیلمبرداری شد. کارگردان این مستند نیکولا وادیموف و بازیگران (راویانِ) آن، عادل الطویل، حنین حراره، ایمان شنان، محمود جوده، غاده المصری، جودت خضری، هنا العیوه و فراس الشرفی هستند.

تصویری از راویان مستند «چه کسی هنوز زنده است؟»

«چه کسی هنوز زنده است؟» که در سال گذشته ساخته شده، قرار است از جمعه ۶ آذر (۲۷ نوامبر) جاری در سینماهای انگلیس و ایرلند به نمایش درآید.روزنامه انگلیسی گاردین از تاثیرگذاری عاطفی این مستند تمجید کرده است. گذشته از تمجید گاردین، مستند تاکنون جوایز و افتخارات زیادی کسب کرده؛ از جمله جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۵ /بخش «روزهای نویسندگان»، جایزه افتخاری دوره ۲۶ ام جشنواره بین‌المللی فیلم تفلیس، جایزه جشنواره فیلم سولوتورن ۲۰۲۶، نامزد بهترین فیلم مستند جوایز فیلم سوئیس ۲۰۲۶، و حضور در ۱۷ جشنواره محلی و بین المللی.

درباره نیکولا وادیموف؛ کارگردان مستند

نیکولا وادیموفِ ۶۲ ساله؛ فیلمساز، فیلمنامه‌نویس، کارگردان و تهیه‌کننده سوئیسیِ و متولد ۱۹۶۴ در ژنو است.فیلمساز سوئیسی پس از تحصیل در رشته سینما در مونترال، نخستین فیلم خود با نام «لِ بُل» (Le Bol) را در سال ۱۹۹۱ در جشنواره فیلم لوکارنو ارائه کرد. نیکولا دستی هم در نواختن گیتار و حضوری فعال در فضای فرهنگی ژنو داشته است.

او در ساخت دومین فیلم خود (۱۹۹۲) به سراغ فلسطینی‌ها رفت و «دستکش‌های طلایی عکا» را کارگردانی کرد؛ اثری که پرتره‌ای از یک بوکسور فلسطینی ساکن اسرائیل بود و در جشنواره‌های متعددی به نمایش درآمد.وادیموف بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶، به عنوان کارگردان در تلویزیون فرانسوی‌زبان سوئیس مشغول به کار شد و در تولید برنامه‌های مختلفی با موضوع مسائل روز، از جمله برنامه «تم پریزان» همکاری کرد و در همین دوران گزارش‌های متعددی از نقاط مختلف جهان، به‌ویژه لیبی، الجزایر، فلسطین و «اسرائیل»، یمن، رواندا و منطقه چیاپاس تهیه کرد. در سال ۲۰۰۳، نیکولا وادیموف شرکت تولید فیلم «آکا فیلمز» را در ژنو تأسیس کرد و از آن پس، فعالیت‌های او ــ چه در مقام کارگردان و چه به عنوان تهیه‌کننده ــ بیش از پیش با واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی معاصر پیوند خورد و تمرکز ویژه‌ای بر خاورمیانه و فلسطین پیدا کرد.نیکولا در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، پروژه «دیدارهای سوئیس و فلسطین» را پایه‌گذاری کرد که طی آن، گروهی از فیلمسازان جوان فلسطینی برای شرکت در یک کارگاه مستندسازی گرد هم آمدند. فیلم‌های حاصل از این پروژه که تحت عنوان «خانه من» گردآوری شده، نخستین نمایش جهانی خود را در سال ۲۰۰۵ در جشنواره «ویژون دو ریل» تجربه کردند. او در سال ۲۰۱۰ فیلم «عیشین» با عنوان فرعی «همچنان زنده در غزه» را کارگردانی کرد که در نوار غزه و در پی جنگ سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ فیلمبرداری شده بود. این فیلم نخستین‌بار در بخش «فوروم» جشنواره برلین (برلیناله) به نمایش درآمد و موفق به دریافت جایزه هیئت داوران کلیسای جهانی شد. فیلم «عیشین» چند جایزه دیگر هم گرفت و پس از آن حضور چشمگیری در جشنواره‌های بین‌المللی داشت.

نمایی از فیلم «عیشین» اثر نیکولا وادیموف

در سال ۲۰۱۸، نیکولا به غزه بازگشت تا فیلم «آپولوی غزه» را کارگردانی کند؛ اثری که با مشارکت شرکت «آکا فیلمز»، «هیئت ملی فیلم کانادا» و شبکه «آرتی‌اس» تولید شد. این فیلم با الهام از کشف مرموز یک مجسمه باستانی از آپولو در سواحل غزه، به کاوش در تاریخ، اسطوره‌ها و آرزوهای سرزمینی تحت محاصره می‌پردازد. «آپولوی غزه» در سال ۲۰۱۸ به عنوان فیلم افتتاحیه بخش «هفته منتقدان» جشنواره فیلم لوکارنو انتخاب شد و پس از آن در جشنواره‌های بین‌المللی متعددی به نمایش درآمد. نیکولا در سال ۲۰۲۵، به همراه لیانا صالح، مستند «آنروا، ۷۵ سال تاریخ موقت» را کارگردانی کرد. این فیلم مستند با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی و شهادت‌ها، تاریخچه آژانس سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی را پی می‌گیرد و نقش آن را ــ از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۹ ــ در تلاقیِ اقدامات بشردوستانه و سیاست بررسی می‌کند.

محل نگهداری ۱۰ هزار خودروی خارج از ضوابط پلمب شد



در راستای منویات قائد شهید امت (رضوان‌الله علیه)، مقام معظم رهبری و رئیس قوه قضاییه مبنی بر حمایت از تولید و اشتغال، علی صالحی، دادستان عمومی و انقلاب تهران، به همراه علی شیخ‌زاده، مدیرعامل سایپا، مرتضی منتظرالمهدی و جمعی از مسئولان قضایی و اجرایی از شرکت خودروسازی پارس خودرو بازدید کرد.این بازدید با هدف بررسی روند تولید، ظرفیت‌ها و موانع پیش‌روی صنعت خودرو و تقویت همکاری دستگاه قضایی با مجموعه‌های تولیدی و اشتغال‌آفرین انجام شد. در جریان این بازدید، مسئولان حاضر از بخش‌های مختلف خط تولید پارس خودرو دیدن کرده و در جریان مسائل و نیازهای این شرکت قرار گرفتند.

دادستان تهران: قوه قضاییه پشتیبان تولید است

دادستان عمومی و انقلاب تهران در ادامه این بازدید و در نشست با مدیران و مسئولان پارس خودرو و دستگاه‌های اجرایی با تأکید بر حمایت دستگاه قضایی از تولید و اشتغال، از پیگیری مشکلات واحدهای تولیدی و صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان در دستگاه قضایی خبر داد. وی در ابتدای این نشست با تقدیر از همکاری دستگاه‌های اجرایی، وزارت صمت، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان امور مالیاتی، پلیس راه و دیگر نهادهای مرتبط، گفت: دستگاه قضایی در راستای سیاست‌های ابلاغی ریاست قوه قضاییه، سند تحول و تعالی و ستاد اقتصاد مقاومتی، حمایت از واحدهای تولیدی، حفظ اشتغال و جلوگیری از بیکاری را در دستور کار قرار داده است.

وی با اشاره به فعالیت ستاد اقتصاد مقاومتی در استان تهران و دبیرخانه فعال آن، افزود: بسیاری از واحدهای تولیدی در استان تهران و حتی سایر نقاط کشور مشکلات خود را از طریق این ستاد پیگیری می‌کنند و بخش قابل توجهی از مشکلات با همکاری و همدلی دستگاه‌ها حل شده است.صالحی درباره مشکلات مجموعه پارس خودرو، گفت: بر اساس گزارش ارائه‌شده، مطالبات چکی این مجموعه که حدود ۵ همت بود، با پیگیری‌های دادستانی تهران و تلاش مدیران شرکت، به ۶۰۰ میلیارد تومان کاهش یافته است. دادستان تهران با اشاره به توانمندی‌های داخلی در تولید خودرو، تصریح کرد: بخشی از تولید پارس خودرو به‌صورت کامل در داخل کشور انجام می‌شود و این نشان‌دهنده توانمندی جوانان و نخبگان کشور است. وی بر تمرکز بر تولید کمی و کیفی، استفاده از ظرفیت‌های داخلی و توجه به صادرات تأکید کرد. صالحی در ادامه با تأکید بر اینکه در کنار حمایت از تولید، صیانت از حقوق عامه و مصرف‌کنندگان نیز در دستور کار است، به موضوع فروش حدود ۱۰ هزار خودرو خارج از شبکه توزیع و خارج از ضوابط قانونی اشاره کرد و گفت: بلافاصله پس از مشاهده گزارش، دستور پیگیری ویژه صادر شد و با همکاری وزارت صمت و ضابطان، محل نگهداری خودروها پلمب و دستور توقیف صادر شد. وی افزود: با صورت‌جلسه‌ای که صادر شد، معامله ابطال و برات‌ها توسط بانک عامل عودت داده شد و با عوامل تخلف برخورد قانونی خواهد شد.دادستان تهران همچنین از راه‌اندازی سامانه متمرکز فروش خودرو با پیگیری دادستانی تهران خبر داد و گفت: با پیگیری‌های انجام‌شده، بالغ بر ۲۵۰۰ دستگاه خودرو در این سامانه بارگذاری شده و حدود ۸۳ شرکت خودروساز محصولات خود را عرضه کرده‌اند. این سامانه با همکاری وزارت صمت تا پایان آذر تکمیل می‌شود و از خودروسازان خواست محصولات خود را در این سامانه عرضه کنند .

ضرب‌الاجل ۴۵ روزه برای تکمیل خودروهای ناقص

دادستان تهران با اشاره به بازدید از خط تولید و وجود خودروهای ناقص، گفت: حدود ۱۱ هزار دستگاه خودرو ناقص در پارس خودرو و بیش از ۲۰ هزار دستگاه در سایپا وجود دارد. وی از مدیران دو شرکت خواست با تأمین قطعات داخلی و همکاری لازم، این خودروها حداکثر ظرف ۴۵ روز تکمیل شوند تا بخشی از گلایه‌های مردمی برطرف شود. وی همچنین بر لزوم تعیین تکلیف معوقات تأکید کرد و افزود: پارس خودرو حدود ۲۳ هزار دستگاه معوقه دارد که باید تا پایان سال تحویل داده شود. در سایپا نیز مقرر شد تعهدات تا پایان سال تکمیل شود و برای خودرو شاهین نیز تلاش شود تا پایان تیرماه تعهدات ایفا شود. صالحی با اشاره به گلایه مردم از تأخیر در تحویل خودرو و تغییرات قیمتی، گفت: مشکلات تولیدکنندگان قابل درک است، اما این مشکلات نباید به افزایش قیمت در بازه کوتاه‌مدت منجر شود و باید رضایت مشتریان جلب شود.

پیگیری مشکلات ارزی، استاندارد، اسقاط و انرژی

گفتنی است؛ در این نشست، مشکلاتی همچون تخصیص ارز برای خودروهای چانگان، تمدید گواهی استاندارد تا پایان سال ۲۰۲۷، گواهی اسقاط و تعلیق تحویل یک هزار دستگاه خودرو، استفاده از ابزارهای بانکی، مسائل مالیاتی و تأمین برق و گازوئیل واحدهای تولیدی مطرح شد.دادستان تهران دستور داد موضوع تخصیص ارز چانگان با همکاری وزارت صمت و بانک مرکزی پیگیری و مساعدت لازم انجام شود. همچنین مقرر شد مشکل گواهی استاندارد و اسقاط در جلسه‌ای مشترک با سازمان ملی استاندارد و خودروسازان ظرف یک هفته تعیین تکلیف شود.دادستان تهران همچنین از همکاری پلیس راه برای خروج خودروها با پلاک ویژه و همکاری سازمان تأمین اجتماعی تقدیر کرد و درباره مشکلات مالیاتی، گفت: جلسه‌ای ظرف یک هفته با حضور مدیران خودروسازی، سازمان امور مالیاتی، سازمان برنامه برگزار و تصمیم مناسب برای حمایت از تولید اتخاذ شود.صالحی همچنین بر پیگیری موضوع تأمین برق و گازوئیل واحدهای تولیدی تأکید کرد و گفت: تعطیلی یا خاموشی یک واحد تولیدی به معنای آسیب به رونق کشور و ایجاد مشکل برای مردم است. وزارت نیرو، وزارت نفت و شرکت پخش و پالایش باید با رعایت صرفه‌جویی، همکاری ویژه با واحدهای تولیدی داشته باشند.

وی در پایان با تأکید بر همدلی و همفکری دستگاه‌ها و تولیدکنندگان، گفت: با اتکا به توان داخلی، جوانان و نخبگان، می‌توانیم در حوزه خودرو به جایگاه مطلوب برسیم و علاوه بر تأمین نیاز داخلی، در بازارهای صادراتی نیز حضور مؤثری داشته باشیم.

مرتضی منتظرالمهدی مدیرعامل پارس خودرو در این نشست، با تقدیر و تشکر از اقدامات دادستانی تهران برای پیگیری و رفع مشکلات این مجموعه، رویکرد دادستانی تهران در پیگیری مسائل مجموعه‌های تولیدی را پیشگیرانه و هوشمندانه توصیف کرد و گفت: دستگاه قضایی خود پیش‌قدم بازدید از مجموعه‌های تولیدی می‌شود تا با رفع مشکلات، حداکثر تاب‌آوری اجتماعی در حوزه تولید و اشتغال ایجاد شود. این اقدام بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است.

دانش‌آموزان در معرض آسیب؛ سامانه «نماد» همچنان روی کاغذ!



«عباس فرجی» مشاور با سابقه مدارس در یادداشتی، به بررسی موضوع عملکرد طرح «نماد» و اهمیت حمایت روانی از دانش‌آموزان پرداخت.مرگ سوگند دانش‌آموز ۱۶ ساله کرمانشاهی، این روزها در همه‌جا مطرح است و هر کس از زاویه خودش به آن نگاه می‌کند؛ برخی آن را روایتی از خشونت علیه زنان می‌دانند؛ برخی به خلأ حمایت قانونی از دانش‌آموزان در مدارس اشاره می‌کنند و برخی هم نگاهشان را به خانواده و آسیب‌هایی که خانواده می‌تواند به فرزند بزند معطوف کرده‌اند.بنا بر گزارش‌های منتشرشده، سوگند پس از احضار پدرش به مدرسه، همراه او از مدرسه خارج شد و پس از آن درگذشت. دادستان کرمانشاه اعلام کرده که پدر به اتهام ضرب‌وجرح و «فعلاً قتل» و مدیر مدرسه به اتهام قصور و سهل‌انگاری بازداشت شده‌اند و تا پایان تحقیقات، نمی‌توان درباره علت قطعی مرگ نظر داد.فرضیه‌های قتل و خودکشی هر دو در دست بررسی است. من قاضی نیستم و قصد ندارم جای دستگاه قضایی حکم صادر کنم؛ اما به عنوان یک روان‌شناس و مشاور که نزدیک به سه دهه در مدارس کار کرده‌ام، یک چیز را با اطمینان می‌توانم بگویم: نتیجه دادگاه هر چه باشد زنجیره‌ای که ما را به این نقطه رسانده از درون مدرسه می‌گذرد و این زنجیره را من بارها، با چهره‌ها و اسم‌های دیگر، دیده‌ام. اگر بخواهم برای این‌گونه مرگ‌ها نامی انتخاب کنم، «مرگ خاموش» را برمی‌گزینم؛ چون هر سال، شمار قابل‌توجهی از دانش‌آموزان ما جان می‌دهند و جز چند روزی که خبری پربازتاب می‌شود، کسی صدایشان را نمی‌شنود.

وقتی ارقام را کنار هم می‌گذاریم، این سکوت گویاتر هم می‌شود. به گفته رئیس جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی ایران، آخرین گزارش پزشکی قانونی مربوط به سال ۱۴۰۱ است و حدود شش هزار خودکشی در سال را نشان می‌دهد؛ اما برای افراد زیر ۱۸ سال هیچ آمار رسمی و جامعی منتشر نمی‌شود و تنها تخمین سازمان جهانی بهداشت برای سال ۲۰۲۱ در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال، حدود ۷ مورد در هر صد هزار نفر را نشان می‌دهد، آن هم تخمینی که به دلیل نقص آمار، با الگوهای محاسباتی به دست آمده است.

رئیس سازمان امور اجتماعی کشور هم مهر ۱۴۰۴ تأیید کرد که روند صعودی است و حتی در گروه‌های سنی زیر ۱۲ سال که پیش‌تر مواردش بسیار نادر بود، اقدام و مرگ بیشتر شده است. نمی‌دانم وقتی نمی‌دانیم چند دانش‌آموز را از دست می‌دهیم، با چه منطقی می‌خواهیم برای نجاتشان برنامه‌ریزی کنیم.بخشی از ماجرا را رسانه‌ها ثبت کرده‌اند. در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ شمار ۱۷ دانش‌آموز را برشمردند و نمونه‌های متعددی هم در همان خرداد و تیر پیدا می‌شود؛ یعنی هفته‌های امتحانات پایان سال و اعلام نتیجه کنکور. تأکید می‌کنم این شمارش رسانه‌ای است و آمار رسمی نیست؛ اما الگو را نمی‌شود نادیده گرفت: فشار مدرسه و آزمون و آینده، در همین ماه‌ها به اوج می‌رسد.از سوی دیگر، در گزارشی که سال ۱۳۹۷ مدیرکل وقت آموزش و پرورش شهر تهران به شورای شهر ارائه کرد، رفتار پرخطر در ۷/۱۹ درصد پسران متوسطه اول و خشم بالا در ۶/۱۹ درصد دختران ثبت شده بود؛ ارقامی که خود مسئولان هم پذیرفتند وضعیت خوبی را نشان نمی‌دهد.می‌دانم روایت‌هایی از انگیزه «ناموسی» در این پرونده مطرح شده و اگر مراجع قضایی آن را اثبات کنند، خشونت جنسیتی را نباید انکار کرد و کوچک شمرد؛ این را صریح می‌گویم تا حرفم بد فهمیده نشود.

نگرانی من اما چیز دیگری است: اگر هر مرگی از این دست را فقط در قاب خشونت علیه زنان بگذاریم، بخش بزرگی از مرگ‌های دیگر از دید ما بیرون می‌افتد. دختری ممکن است به خاطر نتیجه کنکور یا کارنامه پایان سال از پا درآید، یا از ترس واکنش خشن والدین، یا حتی واقعاً به دست آن‌ها.

اما پسران هم هستند؛ مواردی از پسری که مورد آزار جنسی قرار گرفته و به دلیل شرم و ترس، هیچ‌کس را در جریان نگذاشته؛ یا پسری که به دلیل اُفت تحصیلی یا رفتاری که خانواده «نادرست» می‌داند، در خانه با تنبیه شدید روبه‌رو شده است.

خودم شاهد بودم پسری پرجنب‌وجوش و «شلوغ» را پس از اطلاع والدین از رفتارش، همان‌جا آن‌قدر تنبیه کردند که اگر مداخله نمی‌کردیم، آسیب جدی می‌دید. این‌ها همه دانش‌آموز ما هستند و همه به یک اندازه در معرض خطرند. مدرسه‌ای که فقط یک الگو را بشناسد، الگوهای دیگر را نمی‌بیند.

و این الگوها در سال‌های اخیر شکل تازه‌ای هم گرفته‌اند؛ آسیب‌هایی که نسل‌های قبل تجربه‌شان را نداشتند. اعتیاد به فضای مجازی، پرخاشگری سایبری، افت تحصیلی ناشی از غرق‌شدن در محتوای بی‌کیفیت، انزوای اجتماعی، اختلالات خواب و اضطراب، تنها بخشی از چالش‌هایی است که نسل امروز با آن روبه‌روست. این آسیب‌ها مرز طبقاتی و جنسیتی نمی‌شناسند؛ از خانواده‌های مرفه تا حاشیه‌شهرها، همه را درگیر می‌کنند.

ابزارهای قدیمی، مانند سخنرانی و بروشور و «کلاس‌های سبک زندگی»، برای مواجهه با این آسیب‌ها کافی نیست. نوجوانی که شب‌ها تا دیروقت در فضای مجازی چرخ می‌زند و صبح با اضطراب به مدرسه می‌آید، به مشاوره تخصصی و مداخله فردی نیاز دارد، نه به یک پیامک اطلاع‌رسانی و این دقیقاً همان جایی است که خلأ مشاور مددکار، خودش را نشان می‌دهد.

قانون و دستورالعمل در آموزش و پرورش کم نداریم، مشکل جای دیگری است؛ وقتی چیزی نوشته می‌شود، کمتر کسی می‌پرسد آیا قابل اجراست، و حتی اگر باشد، آیا مدیر و معلم و پدر و مادر آن را درست می‌فهمند. سامانه‌ای داریم به نام «نماد» که قرار بود تا سال ۱۴۰۰ همه مدارس کشور را پوشش دهد و از دانش‌آموز در برابر آسیب‌های اجتماعی مراقبت کند. بسته‌هایش جامع است، اما در عمل نه‌تنها آن پوشش محقق نشد، بلکه پس از نزدیک به یک دهه، هنوز در بسیاری از مدارس به‌طور جدی عملیاتی نشده و خود مدیران و مشاوران هم کارکرد چندانی برایش قائل نیستند.



بسته اشتغال شهرداری تهران

محمدامین توکلی‌زاده، معاون شهردار تهران با اشاره به سابقه مشارکت مردم در حل مسائل کشور گفت: جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری تاکنون، نسل‌های مختلفی از فعالیت‌های مردمی را تجربه کرده است. از نقش هیئت‌های مذهبی، روحانیت و تشکل‌های مردمی در جریان انقلاب اسلامی تا تشکیل نهادهایی مانند جهاد سازندگی، کمیته امداد و بسیج مستضعفین و در ادامه، فعالیت گروه‌های جهادی و مواکب اربعین، همگی نمونه‌هایی از ظرفیت گسترده مردم برای مشارکت در اداره امور کشور بوده‌اند. وی افزود: امروز با استفاده از این تجربیات و با همراهی دولت، سازمان بسیج مستضعفین، مجموعه‌های مسجدمحور و مدیریت شهری، فرصتی فراهم شده است تا این ظرفیت‌ها در قالب یک ساختار منسجم در کنار یکدیگر قرار گیرند و نسل جدیدی از مردمی‌سازی در کشور شکل بگیرد.

تشکیل 21 قرارگاه مردمی در تهران و گسترش فعالیت‌ها تا سطح محلات

معاون شهردار تهران با اشاره به تجربه تشکیل قرارگاه مردمی «ایران پیروز» در جریان دفاع مقدس دوم، تصریح کرد: این قرارگاه با مشارکت مجموعه‌ای از دستگاه‌ها و نهادهای مردمی شکل گرفت و در شرایط جنگ، توانست بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های محلی را برای خدمت‌رسانی به شهروندان سازماندهی کند.توکلی‌زاده ادامه داد: رئیس‌جمهور شخصاً برای پیگیری فعالیت‌های این قرارگاه وقت گذاشت و جلساتی با حضور مسئولان دستگاه‌های مختلف برگزار شد. حتی در اوج جنگ و تهدیدهای امنیتی، نشست‌هایی در دفتر رئیس کمیته امداد برگزار می‌شد تا از ظرفیت محلات و گروه‌های مردمی برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان استفاده شود.وی با بیان اینکه تاکنون 21 قرارگاه در سطح مناطق تهران شکل گرفته است، گفت: ساختار این قرارگاه‌ها تا سطح نواحی شهرداری و محلات گسترش یافته و به تشکیل خانه‌های تخصصی خدمت‌رسانی به مردم منجر شده است.معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران با اشاره به عملکرد این مجموعه در دوران جنگ افزود: یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فعالیت قرارگاه مردمی ایران پیروز را در حوزه بازسازی و کمک به شهروندان آسیب‌دیده مشاهده کردیم. گروه‌های جهادی در زمینه‌هایی مانند تعویض شیشه، در و پنجره، آواربرداری، جابه‌جایی وسایل منزل و انتقال خانواده‌ها به هتل‌ها فعالیت داشتند، اما خدمات به این موارد محدود نبود و حوزه‌هایی مانند پزشکی و روان‌پزشکی را نیز دربرمی‌گرفت.به گفته وی، بخش قابل توجهی از این خدمات با مشارکت مستقیم گروه‌های مردمی ارائه شد و تجربه به‌دست‌آمده، اکنون قابلیت توسعه در دیگر نقاط کشور را دارد.توکلی‌زاده همچنین از توجه رئیس‌جمهور به این الگو خبر داد و گفت: گزارش‌هایی از فعالیت این مجموعه به دفتر رئیس‌جمهور ارائه شده و آقای پزشکیان نیز با حضور در دو مسجد فعال، از نزدیک با شیوه خدمت‌رسانی و نقش مساجد در سازماندهی ظرفیت‌های مردمی آشنا شده است.

اجرای طرح «تورم صفر» برای 12 قلم کالا در تهران

معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به برنامه‌های مدیریت شهری برای حمایت از معیشت شهروندان گفت: شهرداری تهران بسته «تورم صفر» را برای عموم شهروندان درنظر گرفته است. در قالب این طرح تلاش شده قیمت 12 قلم کالا ثابت نگه داشته شود و اجرای آن در حال حاضر ادامه دارد.وی افزود: در کنار بسته‌های عمومی، برای اقشار آسیب‌پذیر و خانواده‌هایی که نیاز بیشتری به حمایت دارند، برنامه‌های مستقلی در سطح محلات پیش‌بینی شده است. توکلی‌زاده با اشاره به نقش مساجد در شناسایی خانواده‌های نیازمند اظهار کرد: در این برنامه، مساجد با شناسایی 50 فرد نیازمند و تحت پوشش قرار دادن آن‌ها، در فرایند حمایت‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند. همچنین برای گروه‌هایی مانند سالمندان فاقد سرپرست، افراد دارای معلولیت، کسانی که شغل خود را از دست داده‌اند و زوج‌های نیازمند جهیزیه، بسته‌های حمایتی متناسب با شرایط هر گروه تعریف شده است.وی تأکید کرد: سیاست شهرداری این نیست که با ورود مستقیم به فعالیت‌های مردمی، ابتکار عمل را از خیرین و گروه‌های محلی بگیرد. ابتدا ظرفیت خیرین هر محله شناسایی می‌شود و سپس مدیریت شهری در کنار آن‌ها قرار می‌گیرد تا دامنه خدمات افزایش یابد. معاون شهردار تهران با بیان اینکه مجامع خیرین در محلات و مناطق تهران شکل گرفته‌اند، گفت: این مجامع در شناسایی نیازمندان و تأمین امکانات مورد نیاز مشارکت دارند. در حوزه تأمین جهیزیه نیز تلاش کرده‌ایم متناسب با مشارکت خیرین، از فعالیت آن‌ها حمایت کنیم.

عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیرمسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **امیررضا شفایی** گرافیست و صفحه‌آرا | **آراد عبداللهی**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



سامانه «نماد» همچنان روی کاغذ!

فقط 35 تا 40 درصد مدارس کشور از خدمات مشاوره برخوردارند و با خلأ جدی نظام مراقبت روانی در مدارس مواجهیم.

۷

حقیقت جنگ را روایت می‌کند

مهدی عطایی محمدی عکاس مستند بر نقش عکس در ثبت واقعیت‌های جنگ و بحران‌های زیست‌محیطی تاکید کرد.

۶



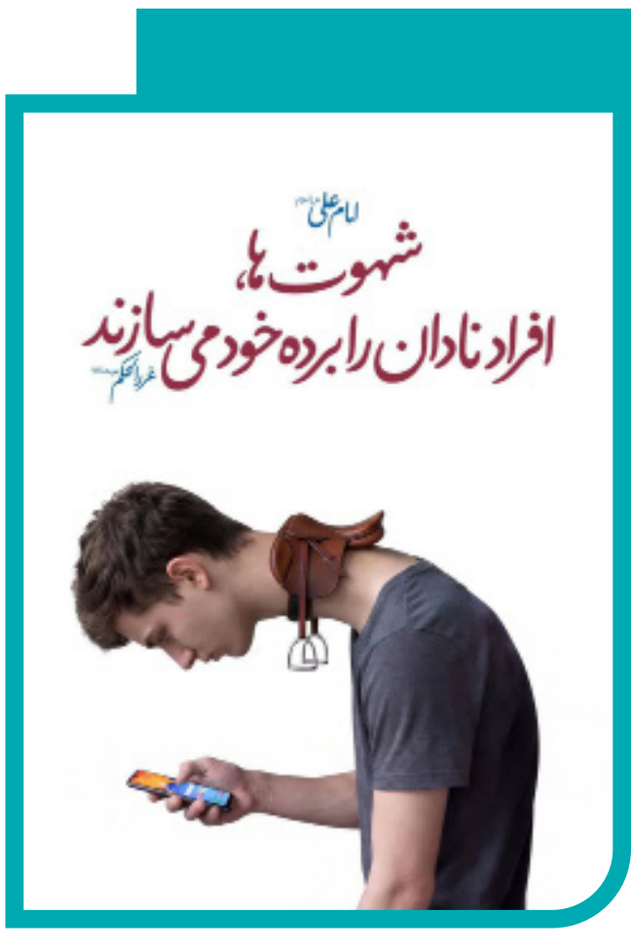

علی‌نژاد: در انتخابات کمیته ملی المپیک شرکت نمی‌کنم

مهدی علی‌نژاد بعد از آخرین نشست هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک پیش از انتخابات این کمیته گفت: در رویدادهای ورزشی مختلفی که پشت سرگذاشتیم، تلاش کردیم خدمات خوبی را به ورزشکاران، مربیان و همراهان ارائه دهیم.دبیرکل کمیته ملی المپیک ادامه داد: بعد از ۲۱ سال عضویت ایران در کمیته بین‌المللی المپیک، را احیا کردیم و من هم به عنوان عضو هیئت اجرایی بازی‌های کشورهای اسلامی انتخاب شدم. ارتباط خوبی با و شورای المپیک آسیا داریم. یکی از ادوار کم تنش و کم حاشیه در این زمینه داشتیم. علی‌نژاد گفت: در این جلسه سرپرست کاروان ایران در المپیک جوانان داکار، گزارشی ارائه کرد. در دوره قبل ۷ مدال طلا گرفتیم که متعلق به وزنه‌برداری، کاراته، کشتی فرنگی و تکواندو بود. در این دوره از مسابقات وزنه‌برداری، کاراته و کشتی فرنگی اصلا وجود نداشت. تکواندو هم با ۲ ورزشکار شرکت کرده بود. دبیرکل کمیته ملی المپیک تصریح کرد: پاداش قهرمانان را با توجه به قولی که داده بودیم، پرداخت کردیم که به حساب فدراسیون‌ها واریز شد. امروز هم تصویب شد که نصف پاداش ورزشکاران به کادر فنی پرداخت شود. علی‌نژاد ادامه داد: خوشبختانه اولین سهمیه المپیک لس‌انجلس را چندی پیش توسط هانیه رستمیان به دست آوردیم. رستمیان برای دومین بار است که اولین سهمیه کاروان ایران را به دست می‌آورد. مقرر شد برای هر کدام از ورزشکاران که تا المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس کسب سهمیه می‌کنند ۳۰۰ میلیون تومان به عنوان پاداش کسب سهمیه پرداخت شود، این مبلغ ۶ برابر عددی است که دوره قبل پرداخت شده بود. رستمیان اولین سهمیه را گرفته و برای دومین بار است که اولین سهمیه را می‌گیرد بنابراین ۱۰۰ میلیون اضافه‌تر برای او در نظر گرفته شده و مجموعا ۴۰۰ میلیون تومان به خانم رستمیان پرداخت خواهد شد.





شایسته قهرمانی جام جهانی بودیم

سید شهرام هروی، درباره عملکرد تیم‌های ملی در مسابقات جام‌جهانی کاراته اظهار داشت: کاراته سال ۲۰۲۶ را پرقدرت و بسیار خوب آغاز کرد و توانستیم در بخش آقایان قهرمان آسیا شویم و در مجموع رقابت‌های آقایان و بانوان نیز عنوان نایب‌قهرمانی آسیا را کسب کنیم. در رقابت‌های رده‌های پایه آسیا هم مقتدرانه به قهرمانی رسیدیم.

وی افزود: در ادامه، در بازی‌های آسیایی تاریخ‌ساز شدیم و برای نخستین بار به عنوان قهرمانی این رویداد دست یافتیم. نتایجی که باعث شد کاراته ایران در میان رشته‌های کاروان ورزشی کشورمان در ناگویا، به عنوان دومین رشته پرافتخار ورزش کشور معرفی شود. این در حالی است که اگر تعداد نفرات شرکت‌کننده کاراته با دیگر رشته‌ها برابر بود، حتی می‌توانستیم به عنوان نخستین رشته ورزش کشور معرفی شویم.



مالیات روی پاداش‌ها بی‌انصافی است

روح‌الله رستمی درباره اضافه شدن بند مالیاتی به پاداش مدال‌آوران بازی‌های پاراآسیایی ۲۰۲۶ ناگویا که بین ۱۰ تا ۳۰ درصد تعیین شده است، گفت: چند سالی بود که این مسائل را نداشتیم، اما این بار گفتند که طبق قانون جدید با این اتفاق رخ بدهد. واقعاً نمی‌دانم از موضوع از کجا آب می‌خورد، اما هر چه که هست، کار قشنگ و جالبی نیست. حتی روی مبلغ پاداش هم انتقاد داشتیم، اما هیچ‌وقت رسانه‌ای نکردیم. اینکه همین پاداش‌ها با مالیات روبرو شود، واقعاً خلاف انصاف و عدالت است. وی ادامه داد: خیلی از افراد در کشور مصونیت مالیاتی دارند و معاف هستند، آن هم در حالی که میلیاردها تومان درآمد دارند، اما یک قِران هم مالیات نمی‌دهند. در چنین شرایطی ما با این مشقت و دشواری به دنبال افتخارآفرینی هستیم، اما برای همان پاداش هم مالیات می‌بندند. واقعاً نمی‌دانم مسئول این اقدام کیست، اما می‌توانم بگویم که دور از انصاف است.

انوشیروانی: ۴-۳ مدال باارزش در المپیک می‌گیریم/



سجاد انوشیروانی در حاشیه بازدید معاون رئیس جمهور از فدراسیون وزنه‌برداری گفت: یک اتفاق مهم در وزنه‌برداری رخ داد و مطابق جلسه‌ای که وزیر ورزش با حوزه علمی و فناوری ریاست‌جمهوری داشت، معاون رئیس جمهور به درخواست فدراسیون وزنه‌برداری به اینجا آمد و بعد از کشتی، به‌عنوان دومین فدراسیونی که تکنولوژی هوش مصنوعی در آن اتفاق می‌افتد، امروز بازدید داشت.

وی افزود: پاورپوینت اقداماتی که فدراسیون وزنه‌برداری به‌عنوان پایه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری انجام داده بود، به آقای افشین ارائه شد. مطابق تفاهم‌نامه وزارت ورزش و معاونت علمی، فدراسیون وزنه‌برداری دومین فدراسیونی شد که شروع عملیات تکنولوژی هوش مصنوعی در آن اتفاق می‌افتد. این اتفاق بسیار مهمی است؛ آن هم به لحاظ کمک به سطح کمی و کیفی وزنه‌برداری و کمک به اشاعه شرایط علمی مبتنی بر دانش هوش مصنوعی در کشور.

انوشیروانی ادامه داد: سال قبل با حضور رئیس فدراسیون جهانی وزنه‌برداری در ایران، این کار استارت خورد. پیگیر هستیم تا از بودجه فدراسیون جهانی در توسعه تکنولوژی در فدراسیون استفاده کنیم. هم فدراسیون جهانی و هم کنفدراسیون آسیا قول دادند که به لحاظ مالی کمک کنند. ان‌شاءالله تا سه ماه آینده سخت‌افزارهای لازم را نصب می‌کنیم و پایلوت بحث اصلاح تکنیک و تغذیه را راه‌اندازی می‌کنیم و برنامه این است که کل تکنولوژی هوش مصنوعی در کشور راه‌اندازی شود.

رئیس فدراسیون وزنه‌برداری درباره دور شدن از قله این رشته در دنیا گفت: ما دور نشدیم. اتفاقاً چند سالی را در بین سه کشور برتر نبودیم و این خیلی سخت اتفاق می‌افتاد، اما چهار سال است که در بین سه کشور برتر دنیا هستیم. نکته بعدی پیشرفت چشمگیر بانوان است. در ناگویا دو طلا و همچنین عنوان قهرمانی در سنگین‌وزن را گرفتیم. دو سال است که در رده‌های پایه و بزرگسالان و بانوان، رده‌های آسیا و دنیا را جابجا می‌کنیم و این‌ها اتفاقات کمی نیست. می‌خواهیم که تیم اول دنیا باشیم، اما هنوز نیاز به کار داریم و در حال انجام هستیم.

انوشیروانی عنوان کرد: وزنه‌برداری رشته‌ای نیست که در دو، سه سال نتیجه شگرف بگیریم. یک تیم قدرتمند ساخته‌ایم. در اولین رویداد کسب سهمیه المپیک، پنج نفر ما در کرسی کسب سه سهمیه مردان و یک نفر در بخش بانوان هستند و این اتفاق بسیار بزرگی است. فدراسیون نیاز به این دارد که بتواند برنامه‌های خود را ادامه بدهد. امروز فدراسیونی داریم که بدون حاشیه و با توان مالی خوب و با برگزاری اردوها و پشتوانه‌سازی خوب و اعزام‌های منظم، یک فدراسیون منظم هستیم. در بحث نتیجه نیز همین که در طول چهار سال در جمع سه تیم برتر دنیا قرار گرفتیم، حُسن است، اما نیاز داریم که روی مدال مجموع بیشتر کار و ضعف‌ها را برطرف کنیم. این برنامه ما برای المپیک است. به مردم قول می‌دهم در المپیک حتماً سه چهار مدال خوب و باارزش کسب کنیم.

رئیس فدراسیون وزنه‌برداری درباره بازگشت تالاخادزه و چالش طلا در دسته فوق سنگین گفت: با بازگشت او و هر کسی دیگر، باید بگویم که با همه توان به سمت طلای المپیک حرکت می‌کنیم. باید حتماً طلای جهان در 2027 را بگیریم و یک پایه و اساس محکم را برای طلای المپیک پایه‌گذاری کنیم. محکوم به این هستیم و برنامه‌مان نیز بر همین محور است. تعارفی هم نداریم. سرمایه‌های مهمی را ایجاد کرده‌ایم و برنامه‌ریزی می‌کنیم که این اتفاق حتماً بیفتد.

وی درباره انتخابات کمیته ملی المپیک و اینکه گفته بود برای حمایت از نفر مورد نظر در انتخابات باید از وزیر ورزش کسب تکلیف کند، اظهار داشت: تک‌محور بودن را اصلاً نمی‌پسندم. قطعاً باید از متولی ورزش کشور کسب تکلیف کرد، چرا که سیاست‌گذاری ورزش در اختیار وزارت ورزش است. همچنین باید با سایر فدراسیون‌های المپیکی رایزنی کنیم، با این هدف که مسیر ورزش برای المپیک آینده هموار باشد و کسانی بیایند و حمایت شوند که برنامه خوبی برای مسیر درست ورزش ایران در المپیک دارند. ضمن اینکه انتخابات این دوره به صورت دو ساله و با نگاه به المپیک است. نگاه این است که مسیر ورزش کشور برای المپیک آسیب نبیند و برای اینکه این آسیب ایجاد نشود، باید با خرد جمعی تصمیم بگیریم.

انوشیروانی در پاسخ به این سوال که آیا موافق حضور علیرضا دبیر در کمیته ملی المپیک است؟ گفت: هر کسی می‌تواند شرکت کند. دبیر نشان داده که ظرفیت مدیریت فوق‌العاده‌ای دارد. او یک قهرمان المپیک است و ان‌شاءالله با تعاملاتی که دارد، اگر تصمیم بر این موضوع باشد، حتماً باید جامعه ورزش از او حمایت کند.